



علوم پایه

از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

(رهنمودها و مطالبات)

تدوین و گردآوری:

شورای تحول علوم پایه

دانشکده و پژوهشکده علوم پایه

دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

مؤسسه چاپ و انتشارات



۹۳۷

سری علوم پایه - ۱۹

عنوان و نام پدیدآور	: علوم پایه از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (رهنمودها و مطالبات) تدوین و گردآوری: شورای تحول علوم پایه دانشکده و پژوهشکده علوم پایه.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: دوازده، ۹۲ ص.
فروست	: دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛ ۹۳۷؛ علوم پایه، ۱۹.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۵۲-۹۶۹-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸، دیدگاه درباره علوم.
موضوع	: Khamene'i, sayyad Ali Leader of IRI, 1939-Views on science
موضوع	: علم و تمدن؛ Science and Civilization
موضوع	: علوم؛ Science
موضوع	: پیشرفت؛ Progress
شناسه افزوده	: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دانشکده و پژوهشکده علوم پایه، شورای تحول علوم پایه
شناسه افزوده	: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، موسسه چاپ و انتشارات.
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۶۹۲
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۰۹۵۷۵

● کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و اقتباس برای دانشگاه جامع امام حسین (ع) محفوظ است.

- عنوان: علوم پایه از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (رهنمودها و مطالبات)
- تدوین و گردآوری: شورای تحول علوم پایه
- صفحه‌آرایی: اکرم پاک قلب
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه
- نوبت چاپ: اول (تیر ماه ۱۳۹۹)
- شمارگان: ۳۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ ریال
- نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، معاونت پژوهش و فناوری مؤسسه چاپ و انتشارات، تلفن: ۷۴۱۸۸۲۶۰، دورنگار: ۷۴۱۸۸۲۷۴
- مرکز پخش: تهران، میدان فردوسی، فروشگاه و نمایشگاه مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تلفن: ۸۸۳۹۲۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ... »

حکمت را به هر کس بخواهد می‌دهد و کسی که به او حکمت داده شود، حقا خیری فراوان داده شده است ...
(سوره مبارکه بقره - آیه ۲۶۹)

انقلاب کبیر اسلامی، نمونه‌ای بی‌بدیل تاریخی از حرکت اجتماعی عظیمی است که با سرنگونی طاغوت و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی، امیدهای فراوانی را در دل مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان برای تحقق آرمان‌های بلند دولت اسلامی، جامعه اسلامی و درنهایت، تمدن بزرگ اسلامی پدید آورد. در این میان، نهادهای علمی، به‌ویژه دانشگاه‌ها، باید نقش کلیدی سوزن‌بانی و هدایت قطار پیشرفت و رشد جامعه در مسیر صحیح انقلابی را ایفا نمایند.

دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) به‌عنوان «دانشگاه در تراز انقلاب اسلامی» با شعار «تزکیه، جهاد علمی، دانشگاه تمدن‌ساز»، در کنار مسئولیت مهم انسان‌سازی و تربیت سربازان عصر ظهور، وظیفه تولید و نشر معارف پاسداری از انقلاب اسلامی را نیز برعهده دارد. در این راستا، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه به‌منظور تکمیل چرخه مدیریت دانش بومی با سه ویژگی «اسلامی بودن»، «روزآمدی» و «کارآمدی»، با هدف دستیابی به مرجعیت علمی، افتخار و تلاش دارد تا زمینه و بستر لازم برای اساتید و پژوهشگران محترم این عرصه را فراهم نماید. امید است در سایه الطاف بیکران الهی و با گسترش فعالیت‌های انتشاراتی مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، این رسالت خطیر تحقق یابد.

در پایان، بر روح ملکوتی معمار و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس سره) و همچنین شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مدافعان حرم درود می‌فرستیم و با آرزوی سلامتی و توفیقات هرچه بیشتر امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) و نیز خدمتگزاران اسلام و کشور، از اساتید، فرهیختگان و اهل نقد و نظر تقاضا داریم با ارائه نظرها و پیشنهادهای خود، ما را یاری فرمایند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یازده	پیشگفتار

فصل اول: ضرورت و اهمیت علوم پایه

۳	۱-۱. کشف حقایق عالم با علوم پایه
۴	۲-۱. کشف روح علمی و علم‌گرایی
۵	۳-۱. علوم پایه، دغدغه اصلی
۶	۴-۱. علوم پایه در نقش ریشه دیگر علوم
۷	۵-۱. علوم پایه و پیشرفت کشورها
۸	۶-۱. علوم پایه گنجینه و پشتوانه علوم کاربردی
۸	۷-۱. علوم پایه مبنای نظری و تحرک علمی و فناوری پیشرفته
۹	۸-۱. علوم پایه مثل ذخیره بانکی
۹	۹-۱. همگانی و عرف شدن علوم پایه
۱۰	۱۰-۱. تکیه صد درصدی روی علوم پایه
۱۱	۱۱-۱. توصیه مؤکد به علوم پایه
۱۱	۱۲-۱. تحقیق علمی به‌عنوان یک مسئله حیاتی
۱۲	۱۳-۱. مسئله پیشرفت علمی مسئله مهم کشور

فصل دوم: تهدیدشناسی در حوزه علوم پایه

۱۵	۱-۲. انزوای علوم پایه (احتمال سوءنیت)
۱۵	۲-۲. تهدید دشمنان تمدنی
۱۶	۳-۲. نقشه مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی
۱۶	۴-۲. ایجاد یأس در نیروهای جوان کشور
۱۷	۵-۲. تقلیدی کردن علم و ترجمه‌گرایی
۱۸	۶-۲. دانش کهنه و دستمالی شده

فصل سوم: تصویر آینده مطلوب

۲۳	۱-۳. حیات طیبه
۲۴	۲-۳. علم با هدایت ایمان

- ۳-۳. علم در خدمت انسانیت، عدالت، صلح و امنیت ۲۵
- ۳-۴. علم نور معرفت و انسانیت ۲۵
- ۳-۵. همراه شدن حرکت علمی با آرمان‌های والای معنوی و انقلابی ۲۶
- ۳-۶. فرهنگ، بینش، معرفت و کمال فکری انسانی پایه اصلی تمدن ۲۸
- ۳-۷. مدیریت دنیا ۲۸
- ۳-۸. ایجاد تمدن نوین اسلامی ۲۹
- ۳-۹. ایجاد تمدن اسلامی جدید، بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق ۳۲
- ۳-۱۰. شکستن خط مرز دانش، فتح آفاق جدید و فناوری جهشی ۳۲
- ۳-۱۱. در نوردیدن مرزهای علم و دانش ۳۴
- ۳-۱۲. باز کردن مرزهای دانش و ایجاد مرزهای جدید ۳۵
- ۳-۱۳. جلو بردن مرزهای دانش ۳۵
- ۳-۱۴. کشف دانش‌های جدید ۳۷
- ۳-۱۵. اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحوّل ۳۷
- ۳-۱۶. علم درون‌زا ۳۸
- ۳-۱۷. عزت علمی، مرجعیت علمی ۳۸
- ۳-۱۸. جهان اسلام، مرجع علمی دنیا ۳۹
- ۳-۱۹. رسیدن به مرجعیت علمی ۳۹
- ۳-۲۰. رسیدن به خطوط مقدم ۴۰
- ۳-۲۱. قدرت علمی، پایه و مایه قدرت بین‌المللی ۴۱
- ۳-۲۲. زبان فارسی، زبان علم ۴۲
- ۳-۲۳. علم در حد سخنان اول دنیا ۴۲
- ۳-۲۴. دانش، مایه اقتدار ۴۳
- ۳-۲۵. علم ناظر به فناوری ۴۳
- ۳-۲۶. فعالیت علمی ناظر به نیازهای کشور ۴۴

فصل چهارم: تصویر وضع موجود

- ۴-۱. عدم توجه به عنصر علمی جهت‌دار ۴۷
- ۴-۲. علم وارداتی ۴۸

- ۳-۴. تفکر و ذائقه ترجمه‌ای ۴۹
- ۴-۴. مدل‌بازی به‌جای مدل‌سازی ۴۹
- ۵-۴. تکرار متون فرنگی و خارجی ۵۰
- ۶-۴. تنزل به شاگردی ۵۱
- ۷-۴. نرسیدن حرکت علمی به مرحله ثبات ۵۱
- ۸-۴. در قدم اول بودن ۵۲
- ۹-۴. تنزل کردن شتاب علمی ۵۳
- ۱۰-۴. کم شدن سرعت رشد علمی ۵۳
- ۱۱-۴. عقب بودن از خط مقدم ۵۴
- ۱۲-۴. نامتوازن شدن رشته‌های دانشگاهی ۵۵
- ۱۳-۴. شتاب رشد علمی ۵۵
- ۱۴-۴. از دور نیافتادن حرکت علمی کشور ۵۶
- ۱۵-۴. ادامه پیدا کردن پیشرفت علمی کشور ۵۸

فصل پنجم: تبیین راهبردها

- ۱-۵. تربیت عالم ۶۱
- ۲-۵. صدور علم ۶۱
- ۳-۵. مسیر مشخص ایرانی-اسلامی ۶۲
- ۴-۵. مجاهدت برای پیشرفت علمی ۶۳
- ۵-۵. همراه شدن روند تعالی علم با روح‌های قوی ۶۴
- ۶-۵. همت و تلاش ۶۵
- ۷-۵. جهاد علمی ۶۵
- ۸-۵. مدیریت جهادی ۶۶
- ۹-۵. شجاعت علمی ۶۷
- ۱۰-۵. جرئت نوآوری ۶۷
- ۱۱-۵. روحیه استقلال، کار برای خدا ۶۸
- ۱۲-۵. رویکرد تولید علم ۶۸
- ۱۳-۵. قدرت علمی و جرئت علمی برای نوآوری علمی ۷۰

- ۵-۱۴. نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی. ۷۱
- ۵-۱۵. نظام ملی نوآوری ۷۲
- ۵-۱۶. تولید علم به معنای حقیقی کلمه ۷۳
- ۵-۱۷. اقدام به تحقیقات عمیق و بنیانی ۷۳
- ۵-۱۸. مطالبه‌کننده چیزهای ناشناخته ۷۳
- ۵-۱۹. افزودن بر دانش جهانی و تولید فرآورده‌های جدید دانش بشری ۷۴
- ۵-۲۰. نقاد بودن و مرعوب غرب نشدن ۷۴
- ۵-۲۱. علوم پایه عامل رسیدن به اوج قله ۷۶
- ۵-۲۲. هدایت تحصیلی به سمت علوم پایه ۷۷
- ۵-۲۳. متوازن‌سازی رشته‌های دانشگاهی به سمت علوم پایه ۷۹
- ۵-۲۴. رویه‌سازی و جریان‌سازی ۷۹
- ۵-۲۵. گفتمان‌سازی ۷۹
- ۵-۲۶. چرخه به هم‌پیوسته دانش‌ها ۸۰
- ۵-۲۷. جریان عام تمامی ناپذیر ۸۱
- ۵-۲۸. سرمایه‌گذاری روی علم ۸۱
- ۵-۲۹. سرمایه‌گذاری بر روی مسئله علم و فناوری و نخبه‌پروری ۸۲
- ۵-۳۰. سرمایه‌گذاری مستمر و حرکت پیش‌دستانه ۸۲
- ۵-۳۱. سرمایه‌گذاری فکری، علمی، پولی و تبلیغی ۸۳
- ۵-۳۲. الگوسازی ۸۳
- ۵-۳۳. کاربردی کردن ۸۴
- ۵-۳۴. پرورش قوه عاقله کشور ۸۴
- ۵-۳۵. مسلح شدن به علم ۸۵
- ۵-۳۶. حل مسئله کشور مبنای ارتقاء ۸۶
- فهرست نمایه ۷۱

پیشگفتار

نهایت سعادت هر فرد و جامعه‌ای دستیابی به حیات‌طیبه است که ظهوری از آن در دنیا و اساس آن در آخرت است. هرچند بهره‌گیری از عقل، علم و دانش آدمی می‌تواند او را در رسیدن به این حیات‌طیبه یاری رساند، لیکن کمال دستیابی به آن تنها در سایهٔ عنایت الهی و بهره‌گیری از وجود پیامبران و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) ممکن است، که از یک‌سو به فیض الهی ملحق‌اند و از سوی دیگر چراغ راه بندگان در مسیر دستیابی به حقیقت‌اند. نشانه‌های رسیدن به این حیات‌طیبه در هر جامعه در تمدن آن جامعه بروز می‌کند. تمدنی که به‌منزله شاکله‌ای از علم، فرهنگ، اخلاق، سیاست و دین‌داری در هر عصر و نسلی نتیجه تلاش عقلای هر قوم و ساری‌و‌جاری در بین مردم است. بی‌شک بخش قابل توجهی از تمدن هر جامعه، تولیدات علمی و دانشی و نحوه رفتار علمی خردمندان آن جامعه است. علم و دانش نتیجه عقلانیت افراد جامعه است که با دیگر بخش‌های تمدنی ارتباطی تنگاتنگ دارد. یک تمدن برتر، تمدنی است که در زمینه علم، اخلاق و اعتقادات دینی سرآمد باشد. پیشرفت محدود به چند حوزه در هر تمدن، هرچند فوایدی را در بر خواهد داشت اما پیشرفت اساسی نخواهد بود و این همان مشکلی است که امروزه برای دنیای غرب پیش آمده و با رشد نامتوازن این عوامل، تمدنی ناقص و مشکل‌ساز را به‌وجود آورده است.

(بازده)

ایجاد تمدن اسلامی براساس مبانی سعادت‌بخش دین اسلام که با بهره‌گیری مناسب و لازم از دانش بشری، اخلاق، معنویت، صلح، رفاه، امنیت، آزادی و نجات بشریت را به همراه خواهد آورد، تنها راه برون‌رفت بشر از بن‌بست کنونی است.

با این توصیف، برای پی‌ریزی و نوسازی تمدن اسلامی، توجه به علم از ارکان اصلی است و به این نکته در بیانات بزرگان شیعه و به‌ویژه امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) تأکید فراوان شده است. در میان علوم مختلف بشری، علوم پایه که موضوع آن پرداختن به امور طبیعی و بهره‌گیری از طبیعت برای بهره‌وری از آن و دستیابی به شناخت خالق عالم هستی می‌تواند باشد، نقش و جایگاه ممتازی دارد. در این کتاب سعی شده است بیانات و رهنمودهای امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در موضوع پرداختن به علم به‌ویژه علوم پایه و رشد و تکامل آن در پرتو اندیشه دینی جمع‌آوری گردد. امید است که این مجموعه بتواند کمک شایانی به جویندگان علم، مسئولان و برنامه‌ریزان کشور، برای ساخت تمدن نوین اسلامی نماید.

و من الله التوفیق.

فصل اول: ضرورت و اهمیت علوم پایه

۱-۱. کشف حقایق عالم با علوم پایه

«در همین زمینه، من به مسئلهٔ پرداختن به علوم پایه اشاره می‌کنم که قبلاً هم یک وقتی، یکی دو بار در صحبت با دانشگاهی‌ها مطرح کرده‌ام. بحث علوم پایه خیلی مهم است منتها چون دستاوردِ نقدِ حاضر و آماده‌ای برایش وجود ندارد، گرایش به آن در بین دانشجویها و کسانی که رشته انتخاب می‌کنند، کم است. باید ترتیبی داده بشود که گرایش به این دانش‌های علوم پایه یک گرایش بهتری، و گرم‌تری از سوی دانشجویان باشد. علوم پایه، هم نیاز دارد به سرمایه‌گذاری دولت؛ چون متأسفانه دولت‌ها هم وقتی مشکل مالی پیدا می‌کنند، جزو اولین جاهایی که در بودجه حذف می‌شود، عبارت است از همین بخش علم و فرهنگ و مانند این‌ها؛ این‌ها هیچ مشکلی، درگیری ندارد؛ اول بودجهٔ این‌ها را [قطع می‌کنند]؛ آمدند به من گفتند که بودجهٔ بخش‌های علمی را امسال پنجاه درصد کم کرده‌اند؛ خوب یعنی پنجاه درصد از فعالیت علمی کشور بایستی متوقف بشود- دولت باید کمک بکند، هم خود صاحب‌نظران و دانشمندان باید کمک کنند، هم آموزش و پرورش در این زمینه وظیفه دارد؛ هدایت تحصیلی باید انجام بگیرد از طرف آموزش و پرورش؛ جوری این جوان را حرکت بدهند و هدایت تحصیلی بکنند که به سمت علوم پایه و مانند این‌ها حرکت بکنند. این هم یک مسئله است که اینجا من یادداشت کرده‌ام. ما در علوم پایه باید سرمایه‌گذاری مستمر بکنیم و حرکتمان حرکت پیش‌دستانه

باشد؛ یعنی سعی کنیم به استقبال حقایق کشف نشده عالم برویم. حقایق بسیاری در عالم وجود دارد که کشف نشده، کما اینکه صدسال پیش خیلی از حقایقی که امروز کشف شده، کشف نشده بود؛ در طبیعت وجود داشت اما کشف نشده بود. این جور نیست که فرض کنید که نیروی الکتریسیته تازه به وجود آمده [باشد]؛ از اولی که دنیا به وجود آمد، این بود، [لکن] کسانی همت کردند، هوشمندی به خرج دادند و این را کشف کردند. ما دنبال حقایق کشف نشده عالم وجود باشیم؛ یکی از کارهای اساسی ما این است.

پرداختن به علوم پایه و علوم بنیادی این خصوصیت را دارد که جامعه علمی را می‌کشاند به سمت کشف حقایق کشف نشده؛ نه اینکه ما هم فقط صرفاً حول و حوش حقایقی که کشف شده است و حرکت‌هایی که دیگران انجام داده‌اند، حرکت بکنیم.^۱

۱-۲. کشف روح علمی و علم‌گرایی

«شما باید روح علمی و علم‌گرایی را و این که این کون عظیم قاعده‌یی دارد و بر تمام اجزایش قانونی حکمفرماست و ما از طرف دین مأموریم که این قانون را کشف کنیم تا بتوانیم این کون را اداره کنیم، در جامعه گسترش دهید. بشر برای اداره این کون آمده است. بشر آمده که بر سنگ و چوب و درخت

۱- دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

و روی زمین و زیر زمین حکومت کند؛ نیامده که محکوم این‌ها باشد.

این حاکمیت بر روی زمین - که فلسفه وجودی و وظیفه اصلی بشر است - محقق نمی‌شود، مگر آن وقتی که شما قوانین زمین - یعنی قوانین آب و باد و هوا - را بشناسید. تا این قوانین را نشناسید، نمی‌شود. پس، این قوانین را با علم می‌شود شناخت؛ بنابراین، روح علمی یک هدف مهم است.^۱

۱-۳. علوم پایه، دغدغه اصلی

«من با دقت به حرف‌های شما گوش کردم. شما الآن به مسائلی توجه می‌کنید که دغدغه‌های اصلی من هم همان‌هاست. شما به اهمیت دادن به علوم پایه، به علوم محض، به پژوهش، به فراهم آوردن بستر مناسب برای رشد علمی و فکری، به استفاده دانش در همه جای جهان و مخلوط نکردن بهره‌مندی از دانش دیگران با بهره‌مندی از همه فرآورده‌های فرهنگی آن‌ها اشاره کردید. این‌ها همان حرف‌هایی است که در مواجهه با جوانان و دانشجویان و قشر دانا و هوشمند جامعه، دغدغه‌های اصلی مرا تشکیل می‌دهد. خدا را شکر می‌کنم که می‌بینم همان چیزهایی که در ذهن من وجود داشته و در مجامع دانشگاهی و با مسئولان دانشگاهی و با جوانان با این نیت مطرح می‌کردم که در ذهن‌ها گسترش پیدا کند و به مطالبات عمومی تبدیل شود، نتیجه‌بخش شده است. یعنی شما هوشمندان، همان چیزهایی را

۱- دیدار با اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵

می‌خواهید، که ما می‌خواستیم شما آن‌ها را بخواهید. در مورد کارهایی که باید برای نخبگان جامعه انجام گیرد، یک نکته را عرض کنم. البته در همه مجموعه‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی‌هایی برای قشر متوسط و عمومی می‌شود و چاره‌ای هم نیست. برنامه‌ریزی‌های عمومی را نمی‌شود با محاسبه نخبگان انجام داد؛ لیکن این حرکت تحصیلی و کاری، به تدریج به نقطه‌ای می‌رسد که باید برای نخبگان حساب ویژه‌ای باز کرد. فراهم آوردن امکانات لازم برای نخبگان و شکوفا کردن استعدادهای آنان، عین عدالت است چراکه صاحبان فکرها و ذهن‌های ممتاز می‌توانند در پیشرفت علم، فرهنگ، هنر، صنعت و همه مسائل موردنیاز کشور، تأثیر محسوسی بگذارند.^۱»

۱-۴. علوم پایه در نقش ریشه دیگر علوم

«یک روزی یک چیزهایی گفته می‌شد که به گوش‌ها سنگین می‌آمد. من یک روزی مسئله «تولید علم» را مطرح کردم، بعد دیدم بعضی جاها نشسته‌اند روی کلمه «تولید علم» دارند خدشه می‌کنند - حالا یک مناقشه لفظی - که علم قابل تولید نیست! امروز این به صورت یک گفتمان قطعی در آمده؛ شماها گله‌مندید از این که این کار در مقطع خاص خودش پیش نمی‌رود. این خیلی پیشرفت است. بنابراین بایستی کار کرد و کار کنید، فکر کنید؛ حتماً تأثیر دارد. از من سؤال شد نظرم در مورد علوم پایه

۱- دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون‌های

چیست؟ همین‌طور که اشاره کردند، من چندین بار راجع به علوم پایه بحث کرده‌ام. من علوم پایه را خیلی مهم می‌دانم. من یک وقتی گفتم علوم پایه در مقایسه با علوم کاربردی‌ای که ما داریم، مثل یک ذخیره بانکی است در مقابل پولی که شما توی جیب‌تان می‌گذارید. شما برای خودتان یک مقدار ذخیره بانکی دارید که پشتوانه کار شما، مایه امید شما، منشأ درآمدهای شما آن است. البته یک مقدار هم پول توی جیب‌تان می‌گذارید و خرج می‌کنید. نمی‌خواهیم جسارت کنیم؛ واقع قضیه این است. این علوم کاربردی‌ای که امروز وجود دارد، این‌ها همه‌اش همین پول‌هایی است که ما داریم خرج می‌کنیم. یک ملت مجبور است مهندسی داشته باشد، شهرسازی داشته باشد، صنایع داشته باشد، پزشکی داشته باشد، سلامت و درمان داشته باشد؛ این‌ها پول‌هایی است که روزانه داریم خرج می‌کنیم؛ اما مایه و ریشه اصلی این علوم، علوم پایه است.^۱»

۱-۵. علوم پایه و پیشرفت کشورها

«این مطالبی که عزیزان ما در اینجا گفتن - چه رئیس محترم و برخی از استادان، و چه چند نفر از دانشجویان - درخواست‌های علمی و حرفه‌ای است و کاملاً درست است. این خواسته‌ها، همان مسائل موردنظر من است. من با مسئولان که مواجه‌ام، همین‌ها را می‌گویم. البته حالا که شما گفتید، تأکیدی شد؛ وزرای محترم هم تشریف دارند.

۱- دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳/۰۷/۱۳۹۰

همه این زمینه‌های مربوط به علم و تحقیقات، و این مسئله تأکید بر علوم پایه، از جمله چیزهایی است که من بارها رویش تأکید کرده‌ام. هر کشوری به هر جا رسیده، از علوم پایه رسیده است.^۱»

۱-۶. علوم پایه گنجینه و پشتوانه علوم کاربردی

«توجه به علوم پایه، از جمله همین توصیه‌های مؤکدی است که بنده در این چند سال، مکرر با مسئولین در میان گذاشته‌ام. همیشه گفته‌ایم علوم پایه مثل گنجینه است؛ علوم کاربردی مثل پولی است که توی جیبمان می‌گذاریم و خرج می‌کنیم. اگر علوم پایه نباشد، پشتوانه این هزینه کردن از بین خواهد رفت. این نکته کاملاً به‌جاست.^۲»

۱-۷. علوم پایه مبنای نظری و تحرک علمی و فناوری پیشرفته

«ما یک روزی در دنیای علم و مدنیت استاد بودیم؛ حالا به مرحله شاگرد تنزل پیدا کرده‌ایم؛ یک مدت هم شاگرد بسیار تنبل بودیم! اما امروز مشغول حرکتیم و بایستی پیش برویم؛ به‌خصوص در زمینه علوم پایه که در حقیقت پایه نظری هر تحرک علمی و هر فناوری پیشرفته است؛ من تأکید کرده‌ام و می‌کنم.

۱- دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۸/۰۸/۱۳۸۵

۲- دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

و البته در کنار این توجه یافتن و سمت‌گیری دانش، باید به‌سوی عمل و کاربردی کردن و نیازهای کشور را در نظر گرفتن و در آن جهت حرکت کردن، توجه داشته باشیم.^۱

۱-۸. علوم پایه مثل ذخیره بانکی

«ازجمله چیزهایی که بنده قبلاً هم به آن توجه کردم و امروز هم متخصصین همین را تأیید می‌کنند، اهمیت دادن به علوم پایه است.»

بنده یک وقتی اینجا تشبیه کردم در بین جمعی از دانشمندان و محققین و مانند این‌ها که بودند، گفتم علوم پایه مثل آن ذخیره شما است در بانک که پشتوانه زندگی شما است؛ علوم کاربردی مثل آن پولی است که در جیب‌تان می‌گذارید خرج می‌کنید، لازم است؛ علوم کاربردی را نمی‌شود از قلم انداخت، باید به آن اهمیت داد لکن اساس کار، علوم پایه است. گفته‌شده است از قول دانشمندان متخصص و وارد - که ما هم از آن‌ها باید یاد بگیریم، یعنی بنده از آن‌ها باید یاد بگیرم - که اگر علوم پایه نباشد، علوم کاربردی هم به‌جایی نخواهد رسید.^۲

۱-۹. همگانی و عرف شدن علوم پایه

«باید به‌گونه‌ای علوم پایه را در کشور توسعه بدهیم که دانستن علمی مانند فیزیک، شیمی، ریاضی و دیگر علوم پایه به

۱- دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، ۲۳/۰۵/۱۳۸۵

۲- دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۲۹/۰۳/۱۳۹۵

یک عرف و مسئله‌ای همگانی تبدیل شود تا بتوانیم با تکیه بر نوآوری و ابتکار، سرعت دستیابی به قله‌های علمی را افزایش دهیم.^۱»

۱-۱۰. تکیه صد درصدی روی علوم پایه

«من در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به آن آقایانی که مؤثرین در فرهنگ هستند، گفته‌ام که شماها جایگاه مهندسی فرهنگی را در این کشور دارید.

در آن جلسه گفته‌ام که دو شاخه اصلی وجود دارد: علوم انسانی و علوم پایه؛ هر کدام به جای خود. اگر ما اینجا روی علوم انسانی تکیه می‌کنیم، معنایش این نیست که روی ریاضی و فیزیک و شیمی و علوم زیستی تکیه نمی‌کنیم، چرا؛ آنجا هم بنده یک تکیه صد درصدی دارم؛ آن‌ها هم برای خودشان مردانی و کسانی دارند؛ علوم انسانی هم بایستی مردان و کسانی برای خودشان داشته باشد. باید روی این دوشاخه - دوشاخه اصلی؛ یعنی علوم انسانی و علوم پایه - در کشور، سرمایه‌گذاری فکری، عملی، پولی و تبلیغی بشود تا اینکه پیش بروند. علم را بایستی در حدّ اعلا دنبال کنید.^۲»

۱- دیدار رئیس و جمعی از همکاران دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری، ۱۳۸۴/۱۱/۲۵

۲- دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

۱-۱۱. توصیه مؤکد به علوم پایه

«نکته‌ای که در بیانات دانشجوی دختر دورهٔ دکتری برای من جالب بود، این بود که دانشجوی پزشکی از دانشجویان علوم پایه دفاع می‌کرد؛ اتفاقاً درست هم هست. توجه به علوم پایه، از جمله همین توصیه‌های مؤکدی است که بنده در این چند سال، مکرر با مسئولین در میان گذاشته‌ام. همیشه گفته‌ایم علوم پایه مثل گنجینه است؛ علوم کاربردی مثل پولی است که توی جیب‌مان می‌گذاریم و خرج می‌کنیم. اگر علوم پایه نباشد، پشتوانهٔ این هزینه کردن از بین خواهد رفت.

این نکته کاملاً به‌جاست و من این درس را از این دختر دانشجوی قابل‌طرح می‌دانم که دانشجویها صنفی، دانشگاهی و رشته‌ای به مسائل نگاه نکنند؛ واقعاً نگاه کنند به آنچه نیاز کشور است. این دانشجوی پزشکی خودش از دانشجویان و مجموعه‌های علوم پایه دفاع می‌کند؛ این به نظر ما درس خوبی بود.^۱»

۱-۱۲. تحقیق علمی به‌عنوان یک مسئله حیاتی

«امروز مسئلهٔ تحقیقات برای ما یک مسئلهٔ تجملاتی نیست، یک مسئلهٔ حیاتی است. من نمی‌دانم همهٔ تصمیم‌گیران چقدر به عمق این حرف واقفاند، اما من از بُن دندان اعتقادم این است که امروز یکی از دو، سه کار اصلی و اساسی ما برای حفظ

هویت‌مان، موجودیت‌مان، استقلال‌مان و آینده‌مان، مسئله تحقیق علمی است؛ بدون شک و تردید.

باید این را خیلی جدی بگیرند؛ این از بسیاری از کارهای ما مهم‌تر است؛ ولو ظاهر زود بازدهی ندارد و به چشم نمی‌آید، اما خیلی مهم است.^۱»

۱-۱۳. مسئله پیشرفت علمی مسئله مهم کشور

«فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ؛ به پیغمبر خدا می‌گویند وظیفه تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید؛ حرف‌هایتان را، نظراتتان را بگویید؛ در مسائل مهم کشور؛ در مسئله اقتصاد مقاومتی تبیین کنید، در مسئله پیشرفت علمی - این‌ها مسائل مهم کشور است - در مسئله ارتباط با آمریکا [تبیین کنید]؛ برای خیلی‌ها روشن نیست.

برای شما که مجموعه‌های دانشجویی هستید، اگر روشن نیست، بروید برای خودتان روشن کنید؛ اگر روشن است، برای مجموعه دانشجویی تبیین کنید. چرا بنده این‌قدر اصرار دارم که ارتباط با آمریکا نبایستی برقرار بشود حتی مذاکره، جز در مسائل مشخص و معینی که حالا اقتضای مصلحت باشد؛ علتش چیست؟ خوب این یک دلیلی دارد.^۲»

۱- دیدار اساتید دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

۲- دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

فصل دوم: تهدیدشناسی در حوزه علوم پایه

۲-۱. انزوای علوم پایه (احتمال سوءنیت)

«این طور نیست که ناگهان برای مدت‌های متمادی بعضی از علوم به انزوا و حاشیه بیفتند و بعضی از علوم هم مثل برخی از رشته‌های پزشکی یا مهندسی پُر درآمد، ناگهان اهمیت پیدا کنند و درجهٔ اول بشوند و بسیاری از رشته‌ها در انزوا قرار بگیرند؛ مثل بعضی از رشته‌های علوم انسانی و رشته‌های مربوط به علوم پایه که سال‌های متمادی در این کشور در انزوا قرار گرفته‌اند که اگر کسانی تحقیق و دنبال کنند، احتمال دارد سرنخ‌های سوءنیت هم در این مسئله پیدا بشود.^۱»

۲-۲. تهدید دشمنان تمدنی

«ما احتیاج داریم به اینکه از لحاظ علمی پیشرفت کنیم؛ این نیاز قطعی ما است. اگر از لحاظ علمی پیشرفت نکنیم، تهدید دشمنان تمدنی ما و دشمنان فرهنگی و سیاسی ما، تهدید دائمی خواهد بود؛ آن وقتی این تهدید متوقف می‌شود یا خطرش کم می‌شود که ما از لحاظ علمی پیشرفت کنیم. بنده بارها روی این مسئله تکیه کرده‌ام. الان قریب بیست سال است روی این تکیه می‌کنم و بارها هم این حدیث شریف را خوانده‌ام که «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ»؛ علم، قدرت است.

^۱ دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳

از این نظر هم نگاه به نخبگان اهمّیت پیدا می‌کند. نخبگان می‌توانند علم کشور را پیشرفت بدهند و کشور را به موضع اقتدار و عزتی برسانند که آسیب‌پذیری‌هایش کاهش پیدا کند.^۱»

۲-۳. نقشه مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی

«غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. باید دشمن را شناخت، دشمنی او را باید فهمید، نقشه او را باید تشخیص داد. یکی از نقشه‌های مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی در کشور است.^۲»

«دشمن بیکار نمی‌نشیند؛ دشمن دائماً حرکت می‌کند. اگر بتوانند، حرکت علمی را متوقف می‌کنند؛ اگر ببینند نمی‌شود متوقفش کرد، آن را منحرف می‌کنند.^۳»

۲-۴. ایجاد یأس در نیروهای جوان کشور

«نباید ما اجازه بدهیم این حرکت علمی آسیب ببیند؛ این حرکت علمی، دشمن دارد، اگر این حرکت علمی دچار دشمنی‌ها بشود و ما نفهمیم و از آن مراقبت نکنیم، یک نتیجه بسیار سنگین و تلخی خواهد داشت.»

۱ دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی، ۱۳۹۷/۰۷/۲۵

۲- دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

۳- دیدار نخبگان علمی جوان پیشرفت علمی ایران، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

می‌دانید آن نتیجه چیست؟ آن نتیجه عبارت است از ایجاد یأس در نیروهای جوان کشور؛ اگر این به‌وجود آمد، درست کردن و رُفو کردنش دیگر به این آسانی‌ها نیست.^۱»

۲-۵. تقلیدی کردن علم و ترجمه‌گرایی

«تقلید، رایج شدن و پیشرفت تقلید، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه‌گرایی در دانشگاه؛ که هر چه که آن طرف مرزها، مرزهای غربی و کشورهای اروپایی، گفته‌اند، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسی حرف زد، بگویند مخالف علم حرف می‌زند؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمی‌دانیم...»

یک حرفی را در زمینه مسائل اجتماعی ۵۰، ۶۰ سال پیش فلان نویسنده یا فیلسوف یا شبه فیلسوف فرنگی گفته، حالا آقای بیاید در دانشگاه، ذهنش را با غرور پُر کند و همان را دوباره به‌عنوان حرف نو برای دانشجو بیان کند! این پیشرفت نیست؛ پسرفت است. زبان ملی را مغشوش کردن، هویت اسلامی ملی را سلب کردن و مدل بازی به‌جای مدل‌سازی، پیشرفت نیست. ما، وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمی‌دانیم. آنچه پیشرفت است، این است که ما از هر که و هر جور، همه دانش‌های مورد نیازمان را فرابگیریم؛ این دانش را به مرحله عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای اینکه دامنه علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی

۱- دیدار نخبگان علمی جوان پیشرفت علمی ایران، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

و تجربی انجام دهیم، تا فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و انجام بدهیم؛ در زمینه آموزش‌های مدیریتی از پیشرفت‌های دنیا فراگیریم، آن را بین خودمان بر طبق نیازها و عرف و فرهنگ خودمان تحلیل و فهم کنیم و با جامعه‌مان تطبیق کنیم.^۱»

۲-۶. دانش کهنه و دستمالی شده

«شما اسم‌تان جهاد دانشگاهی است؛ روی این اسم تکیه کنید و به مقتضای این اسم تمسک کنید و حقیقتاً جهاد کنید. وقتی جهاد؛ یعنی تلاش هدف‌دار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته دانش در همه زمینه‌ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه استقلال، روحیه توکل به خدا و روحیه کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راه‌های میانبر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا اینجا سرزمین علم خیز است و شماها نشان دادید که می‌شود.

درهای بسیاری از این دانش‌ها بر روی کشورهای مثل کشور ما و غیر دارندگانش بسته است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده است و از نویی و طراوت افتاده است. البته در همه زمینه‌ها

همین طور است؛ در زمینه‌های علوم انسانی هم همین طور است. در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقادم این است که این ترکیب - جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه - دارای پیام است؛ نشان می‌دهد که می‌توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ در یوزه‌گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می‌روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است.^۱»

فصل سوم: تصویر آینده مطلوب

۳-۱. حیات طیبه

«یکی از چیزهایی که حیات طیبه را تأمین می‌کند، پیش‌رانی در علم و تمدن جهانی است. هرگاه یک ملت بتواند در مجموعه دانش جهانی و مدنیت جهانی، حالت پیش‌ران داشته باشد و جلو ببرد؛ برای ارتقای کل بشریت، یک نردبان جدیدی را جلوی پای بشریت بگذارد؛ این یکی از اجزای حیات طیبه است. غربی‌ها این جور نیستند؛ بله، پیشرفت‌های مادی زیاد به دست آوردند، در این زمینه‌ها حرف‌های جدید زدند، هنوز هم دارند می‌زنند، منتها این را همراه کردند با چیزی که سقوط از این نردبان در آن حتمی است؛ بله، نردبان را جلوی پای بشر می‌گذارند منتها کاری می‌کنند که از این نردبان حتماً بشر سقوط خواهد کرد؛ اخلاق را فاسد می‌کنند. شما امروز ملاحظه کنید در فرهنگ غربی زشت‌ترین و شنیع‌ترین کارها دارد شکل عادی، عرفی، قانونی می‌گیرد که اگر چنانچه کسی با این‌ها مخالفت بکند، محکوم می‌شود که چرا مخالفت می‌کند؛ به‌صرف این‌که انسان دلش می‌خواهد! خب، خیلی چیزها انسان دلش می‌خواهد. کار این پرده‌داری‌ها در غرب به کجا خواهد رسید؟ راه علاج ندارند؛ یعنی راه خلاص قطعاً ندارند؛ این راهی که این‌ها دارند می‌روند، این جور که این‌ها دارند در انحطاط اخلاقی پیش می‌روند، پدر غرب را درخواهد آورد، نابودشان خواهد کرد. بیچاره مردم‌شان، انسان دلش برای مردم این کشورها و این ملت‌ها می‌سوزد؛ مردم بیچاره‌ای هستند. نخبگان، تأثیرگذاران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، روی اهداف خبیث و پلید خودشان کارهایی دارند می‌کنند. خب، پس پیش‌رانی در علم و تمدن

بشری، همراه با معنویت. آن روز در یک مجموعه‌ای-به نظرم پخش هم شده- گفتم فرض کنید بیست سال دیگر، سی سال دیگر کشور جمهوری اسلامی را مثلاً با ۲۰۰ میلیون یا ۱۸۰ میلیون یا ۱۵۰ میلیون جمعیت با پیشرفت‌های شگرف مادی و علمی و صنعتی و با استقرار معنویت و عدالت؛ ببینید چه می‌شود؛ چه جاذبه‌ای در بین آحاد بشر- مسلمان و غیرمسلمان- به وجود می‌آورد؛ می‌خواهند این اتفاق نیفتد.^۱»

۳-۲. علم با هدایت ایمان

«باید فراگرفت؛ اما نباید صرفاً مصرف‌کننده فرآورده‌های علمی دیگران بود. باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که روح نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده شود و زنده بماند.

خوشبختانه من این شوق و میل را در دانشجویان احساس کرده بودم و در اساتید هم آن را می‌بینم. این‌ها باید دست‌به‌دست هم بدهد و سطح علمی کشور را بالا ببرد. آن‌وقتی که علم با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزه‌های بزرگی می‌کند و کشور ما می‌تواند در انتظار این معجزه‌ها بماند.^۲»

۱- دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

۲- دیدار جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

۳-۳. علم در خدمت انسانیت، عدالت، صلح و امنیت

«آن روزی که کشورهای اسلامی و به خصوص کشور ایران اسلامی ما از لحاظ علم سرآمد بود، آن روز، ما هیچ کشوری را استعمار نکردیم، تو سر هیچ ملتی نزدیم، به هیچ ملتی زور نگفتیم.

اسلام علم را با ایمان، با کتاب و سنت، با تهذیب اخلاقی، با اخلاق و معنویت می‌خواهد. چقدر من از این جمله مناجات شریف شعبانیه که این دختر خانم در سخنرانی‌شان خواندند، لذت بردم: «الهی هب لی قلبا یدنیه منک شوقه و لسانا یرفع الیک ذکره» یا «صدقه و نظرا یقرّب به منک حقّه» خدایا دلی به من بده که شوق و عشق، آن را به تو نزدیک کند. عالم مسلمان این را می‌خواهد؛ نزدیکی به خدا، معنویت، اخلاص، صفا. و این است که آن وقت این علم، این ذخیره عظیم، این حربه بزرگ در خدمت دفاع از انسانیت به کار می‌افتد؛ در خدمت امنیت انسان‌ها، عدالت بین انسان‌ها، صلح و صفای انسان‌ها و جوامع بشری به کار می‌افتد. ما این را می‌خواهیم. این را برای خودتان هدف قرار بدهید.^۱»

۳-۴. علم نور معرفت و انسانیت

«این نسخه در مقابل چیست؟ در مقابل جهالت بشر. این جهالت بشر، آن چیزی نیست که نقطه مقابلش اختراعات و اکتشافات است؛ بلکه اگر بشر به دانش‌های مختلفی دست پیدا

کند، اما روابط صحیح انسانی را نشناسد، دچار جهالت است. اگر بشر به اوج علم هم برسد، اما از لحاظ حقوق و احکام، قائل به دو گونه انسان و دو طبقه بشر باشد، این بشر جاهل است. اگر بشریت به پیشرفت‌های مادی هم برسد، اما بنای زندگی، بنای ظالمانه‌ای باشد؛ زورگویی بر زندگی مردم حاکم باشد؛ قدرت‌های قوی، ضعف را پایمال کنند؛ در دنیا نور معرفت و انسانیت نباشد؛ در دنیا فریب رایج باشد، بازهم همان جاهلیت است؛ این‌هاست آن بلاهایی که بشر را دچار بدبختی و تیره‌روزی می‌کند.^۱»

۳-۵. همراه شدن حرکت علمی با آرمان‌های والای معنوی و انقلابی

«مسئله مهم این است که آن چیزی که این کشور را به سامان خواهد رساند، بلکه این سامان سرریز خواهد شد به منطقه و دنیای اسلام و احیاناً به همه جهان، عبارت است از تعهد دینی و انقلابی؛ اگر چنانچه این تعهد دینی و انقلابی نباشد، پیشرفت علمی [به‌تنهایی] یک کشور را، یک ملت را، یک مجموعه انسانی را خوشبخت نمی‌کند. اگر چنانچه این حرف را مثلاً فرض کنید کسی هفتاد سال پیش، هشتاد سال پیش می‌گفت، خیلی‌ها باور نمی‌کردند؛ [چون] آن روز هنوز شکاف‌ها و ترک‌هایی که در بدنه و سازه تمدن غربی و کشورهای غربی به‌وجود آمده، وجود نداشت.

امروز این شکاف‌ها، این کمبودها، این سستی‌های بنیان در تمدن غربی -در زندگی جوان‌ها، در زندگی خانواده‌ها، در کشانده شدن به سمت انحراف‌های گوناگون فکری و عملی و اخلاقی- آشکار شده، نمایان شده. این چیزی که عرض می‌کنم، یک ادعای خصمانه از سوی این حقیر نسبت به سردمداران تمدن غربی نیست -که البته بنده خصم آن‌ها هستم؛ یعنی دشمنم با آن‌ها، اما این حرف ناشی از آن نیست- [بلکه] ناشی از حرف‌های خود آن‌ها است. امروز وضع خشونت، وضع فساد اخلاقی، وضع تلاشی خانواده و بیچاره شدن فرزندان و نسل آینده در آمریکا -من آمریکا را می‌گویم؛ جاهای دیگر، نسبت‌هایش متفاوت است- به جایی رسیده که متفکرین و دلسوزانی در آمریکا پیدا شده‌اند که اصرار دارند بر اینکه بیایند وضع فیلم و تبلیغات و سینما و هالیوود و مانند این‌ها را برگردانند از این رفتاری که در طول این مثلاً صد سال یا هفتاد هشتاد سال اخیر داشته، به سمت یک جنبه‌های اخلاقی‌تر و ملایم‌تر؛ این در مقالات این‌ها است؛ این اطلاعاتی است که بنده دارم- اطلاع است- یعنی خود آن‌ها را نگران کرده. این‌ها فساد است. این‌ها ناشی از نداشتن همین آرمان معنوی است که جوامع غربی به اینجا می‌رسند. حالا افسردگی جوان‌ها، خودکشی‌ها، فرزندکشی‌ها، جنایت‌های گوناگون اخلاقی، جنسی و مانند این‌ها دیگر به جای خود هر کدام یک مقوله جداگانه‌ای است و بحث دارد.

اگر بخواهیم کشور، ملت، جامعه بشری به سعادت برسد،

راهش این است که آرمان‌های دینی و آرمان‌های الهی را برتر

از همهٔ آرمان‌ها قرار بدهیم؛ این در اقتصاد ما باید اثر بگذارد، در کار علمی ما باید اثر بگذارد، در ادارهٔ کشور ما باید اثر بگذارد، در گزینش مدیران کشوری باید اثر بگذارد، در حرکت فکری خود ما [هم باید] اثر بگذارد.^۱»

۳-۶. فرهنگ، بینش، معرفت و کمال فکری انسانی پایهٔ اصلی تمدن

«مسئلهٔ ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسئله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایهٔ اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه این که ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم؛ بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است.^۲»

۳-۷. مدیریت دنیا

«در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفهٔ خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفهٔ

۱- دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه شریف، ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

۲- بیانات به مناسبت حلول سال شمسی، ۱۳۷۳/۰۱/۰۱

دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه مدیریت دنیا. دنیا را باید آباد کند؛ «و استعمرکم فیها».

همین انسان مأمور است که دنیا را آباد کند. آباد کردن دنیا یعنی چه؟ یعنی از استعدادهای فراوان و غیرقابل شمارشی که خدای متعال در این طبیعت قرار داده، این استعدادها را استخراج کند و از آنها برای پیشرفت زندگی بشر استفاده کند. در این زمین و پیرامون زمین، استعدادهایی هست که خدای متعال اینها را گذاشته است و بشر باید اینها را پیدا کند. یک روزی بشر آتش را هم نمی‌شناخت، اما آتش بود؛ الکتریسیته را نمی‌شناخت، اما در طبیعت بود؛ قوه جاذبه را نمی‌شناخت، قوه بخار را نمی‌شناخت، اما اینها در طبیعت بود. امروز هم استعدادها و قوای بی‌شمار فراوانی از این قبیل در این طبیعت هست؛ بشر بایستی سعی کند اینها را بشناسد. این مسئولیت بشر است؛ چون خلیفه است و یکی از لوازم خلیفه بودن انسان، این است.^۱»

۳-۸. ایجاد تمدن نوین اسلامی

«علم، مهم‌ترین ابزار پیشرفت و اقتدار ملی است؛ این را باید مسلم گرفت؛ واقعاً همین جور است. علم برای یک ملت مهم‌ترین ابزار آبرو و پیشرفت و اقتدار است. دانشگاه هم مهم‌ترین تربیت‌کننده مدیران آینده کشور است. خوب، از این چه چیزی مهم‌تر؟ شما دارید مدیران آینده کشور را تربیت می‌کنید. اگر

خوب تربیت کردید - که ان شاء الله همین جور است - آینده کشور، خوب اداره خواهد شد؛ اگر نتوانستیم خوب اداره کنیم، کوتاهی کردیم، طبعاً آینده کشور، تحت تأثیر همین کوتاهی‌ها قرار خواهد گرفت؛ یعنی اهمیت دانشگاه این است. البته دانشگاه با شکل کنونی یک پدیده غربی است این را همه می‌دانیم لکن دانشگاه به معنای تربیت‌کننده نوابغ و نخبه‌ها، به هیچ وجه غربی نیست؛ در کشور ما ریشه هزارساله دارد. بله، به این شکل کنونی از غرب وارد شده لکن این کشور مدارسی داشته که در آن ابن‌سیناها، فارابی‌ها، محمدبن زکریای رازی‌ها، خوارزمی‌ها تربیت شدند؛ در همین کشور.

این اسم‌هایی که ما می‌آوریم، اسم‌های معروف است؛ هزاران نام غیر معروف وجود دارد از پزشک، مهندس، مخترع، ادیب، فیلسوف، عارف که همه در این مملکت پرورش پیدا کردند.

ما چه کار کنیم که از این دانشگاه با این سوابق، با این تاریخ، با این زمینه‌های تاریخی، با این میراث، با این تجربه خوب و آزمون خوبی که دانشگاه در دوران انقلاب داد و با مشکلاتی که در دانشگاه به وجود آمد، همه این‌ها را در کنار هم قرار بدهیم، بتوانیم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بهره ببریم؟ چون هدف این است دیگر؛ هدف، ایجاد یک حاکمیت اسلامی است که بتواند جامعه را به جامعه مورد نظر و آرمانی اسلام تبدیل بکند؛ ما دنبال این هستیم دیگر، ما می‌خواهیم کشور خودمان در درجه اول - حالا بحث کشورهای دیگر و مسائل بین‌المللی و جهانی را نمی‌کنیم - یک کشوری بشود که به آن خطوط آرمانی اسلام

برسد که این خطوط آرمانی یک چیز مطلوب و شیرینی برای هر انسان متفکری است؛ یعنی هر کسی که بنشیند فکر کند، مطالعه کند، از این وضع آرمانی جامعه اسلامی لذت می‌برد؛ جامعه‌ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر این جور؛ ما به این می‌گوییم تمدن نوین اسلامی، می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد.

دانشگاه [در این زمینه] چه نقشی می‌تواند ایفا کند و چه کار باید بکند؟ اولاً نقش آفرینی دانشگاه لازم است، ثانیاً سؤال این است که: چه باید کرد؟ ما چه کار کنیم که بتوانیم به اینجا برسیم؟ البته این موضوع بحث امروز من نیست، چون بحث جلسه‌ای و سخنرانی‌ای نیست؛ این‌ها کارهای تحقیقاتی مفصلی لازم دارد؛ من فقط می‌خواهم این را تذکر بدهم که دانشگاه ما روی این فکر کند، شما به‌عنوان مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان دستگاه آموزش عالی کشور روی این فکر کنید؛ مسئولیت دانشگاه را بر این اساس قرار بدهید، برنامه‌ها را بر این اساس بریزید که دانشگاه با این سوابقی که گفته شد، با این ریشه عمیق تاریخی که گفته شد، با این آزمون بزرگی که از خودش در انقلاب نشان داد، این دانشگاه چه نقشی می‌تواند ایفا کند برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آن چنان جامعه‌ای و آن چنان ایرانی؟ روی این

باید فکر کنید؛ یعنی همه کارها را بر این اساس باید قرار بدهید.^۱»

۳-۹. ایجاد تمدن اسلامی جدید، بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق

«نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند.

اردوگاه شرق چپ فروریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست. گذشت زمان به زیان آن‌ها و به سود جریان اسلام است. هدف نهایی را باید امت واحدۀ اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرارداد.^۲»

۳-۱۰. شکستن خط مرز دانش، فتح آفاق جدید و فناوری جهشی

«این که من گفتم تولید علم، معنایش این نیست که علم دیگران را یاد بگیریم - آن را که باید یاد بگیریم و در این، شکی نیست - معنایش این است که ما خطِ مرزِ دانش را بشکنیم، بازکنیم و آفاق جدیدی را فتح کنیم؛ البته این کار دشواری است. ما باید

۱- دیدار با روسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۰۸/۲۰

۲- دیدار شرکت‌کنندگان اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

به فناوری جهشی دست پیدا کنیم؛ ما باید بتوانیم بر فناوری‌های موجود دنیا بیفزاییم؛ ما باید بتوانیم اختراع صد درصد ایرانی را در بازارهای دنیا مطرح کنیم.

البته در راهی که تا امروز آمده‌ایم، خیلی خوب آمدیم؛ در این شکی نیست. من تا حدود زیادی با کارها آشنا هستم. سال‌هاست که ما آمارهای گوناگون را از بخش‌های مختلف می‌گیریم و می‌خوانیم؛ می‌دانم خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما این پیشرفت‌ها برای جامعه ایرانی کافی نیست. جامعه‌ای که پزشک و ستاره‌شناس و عالم اجتماعی هزار سال قبلش قرن‌ها بعد در دنیا درخشیده است، این پیشرفت‌ها برای او کم است. امروز هم با اینکه دنیای پزشکی ممکن است از تحقیقات هزار سال پیش این‌سینا استفاده زیادی نبرد - اگرچه عقیده‌ام این است که بازم دانش امروز می‌تواند از آن‌ها در زمینه‌هایی استفاده کند - اما وقتی به این تحقیقات نگاه می‌کند، تحسین و تجلیل می‌کند.

تحقیقات محمدبن زکریای رازی و خواجه نصیر و خیام و خوارزمی و دیگران هم همین‌طور است. شأن ما این است؛ لذا این پیشرفت‌ها برای ملت ما کم است. همین چند روز قبل، یکی از چهره‌های سیاسی ما، به یکی از کشورهای مطرح اسلامی رفته بود - که من نمی‌خواهم اسم بیاورم - رئیس‌جمهور آن کشور جلوی حضار غیر ایرانی و غیربومی آن کشور، که از کشورهای اروپایی بودند - نه در جلسه خصوصی که حمل بر مصاحبه و تعارف شود - گفته بود که ما مسلمان‌ها به ایران افتخار می‌کنیم؛ هم به امروز ایران و نظام جمهوری اسلامی، هم به ایران در تاریخ اسلام.

گفته بود این پیشرفت‌های اسلامی، دانش اسلامی و تمدن اسلامی را ایرانی‌ها رشد داده‌اند و به بالندگی رسانده‌اند و به یک معنا، پایه‌گذاری کرده‌اند. ما این توقع را از خودمان داریم؛ ما می‌خواهیم در زمینه دانش و فناوری به جایی برسیم که شأن ملت ایران است. این فقط یک نگاه غرورآمیز ملی نیست، این نژادپرستی نیست؛ این حتی یک نگاه انسانی‌عام به همه بشریت است؛ به خاطر این که اگر ما بتوانیم در دانش، در خط مقدم قرار بگیریم، انگیزه‌های جهان‌گیری و جهان‌گشایی غرب را نداریم؛ انگیزه‌های سودجویانه از ملت‌ها را نداریم؛ دانش ما که به سود ماست، به سود ملت‌های دیگر هم هست.^۱»

۳-۱۱. در نوردیدن مرزهای علم و دانش

«ما گفتیم باید مرزهای علم و دانش را درنوردیم و از مرزهای دانش جهانی باید جلوتر برویم؛ باید حرکت کنیم و این کار را ان شاء الله خواهیم کرد و جمهوری اسلامی خواهد کرد، [البته] برخلاف غرب؛ سنت غربی‌ها اِمساک است؛ یعنی آنچه را که دارند، آنچه را که بهترین یافته‌های علمی آن‌هاست، این را به کسی غیر از خودشان نمی‌دهند.

بله، آنچه را که از استفاده از آن‌ها مدت‌ها گذشته است، آن را چرا، منتقل می‌کنند اما پیشرفت‌های برجسته علمی خودشان را منتقل نمی‌کنند؛ ما برخلاف سنت آن‌ها، گفتیم هرچه را که ما

به دست آوردیم، آماده هستیم به برادران مسلمان خودمان در کشورهای اسلامی منتقل کنیم؛ در همهٔ زمینه‌ها.^۱»

۳-۱۲. باز کردن مرزهای دانش و ایجاد مرزهای جدید

«وقتی جهاد؛ یعنی تلاش هدف‌دار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفتهٔ دانش در همهٔ زمینه‌ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیهٔ استقلال، روحیهٔ توکل به خدا و روحیهٔ کار برای ایمان طی نخواهد شد.

باید این راه را سریع طی کنیم و راه‌های میانبر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا اینجا سرزمین علم‌خیز است و شماها نشان دادید که می‌شود.^۲»

۳-۱۳. جلو بردن مرزهای دانش

«دیدگاه چهارم، جلو بردن مرزهای دانش. امروز دانش در سطح بشری -نه در سطح کشور- در یک مرزهای مشخصی قرار دارد؛ خب، ما سهم ایفا کنیم در شکستن این مرزها و جلو رفتن، مرزها

۱- دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی،

۱۳۹۷/۰۲/۲۲

۲- دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱

را گسترده کردن. در این مورد سهم ما در این قرون اخیر بسیار کم بوده؛ می‌توانیم سهم داشته باشیم.»

«نیروی بخار را دیگران کشف کردند، نیروی الکتریسیته را دیگران کشف کردند، اختراعات جدید را دیگران راه انداختند؛ ما [هم] سهم باید داشته باشیم؛ ما باید مرزهای دانش کشور را باز کنیم، برویم جلو. این طبیعت خداداد، نیروهای بسیار زیادی دارد. نخبگان ما بنشینند فکر کنند، نیروهای جدید طبیعت را کشف کنند. این الکتریسیته از اوّل خلق این عالم وجود داشت، نمی‌دانستیم، انسان‌ها نمی‌دانستند و از آن استفاده نمی‌کردند؛ بعد اتفاقاً یک مغز برتری، یک فکر نخبه‌ای این را کشف کرد؛ حالا شده محور همه تمدن بشری؛ چه اشکال دارد که شما فکر کنید که ده بیست نیروی دیگر در طبیعت وجود دارد که به همین اندازه می‌تواند در زندگی بشر و پیشرفت بشر و خوشبختی بشر تأثیر بگذارد؟

خب یک تعدادی از این نیروهای نهفته و از این امکانات نهفته را نخبه‌های ما باید کشف کنند. ما باید مرز اکتشاف و دانش را توسعه بدهیم؛ پس نخبه را از این نظر هم نگاه می‌کنیم. ببینید! [اینکه] من برای نخبه ارزش قائلم، احترام قائلم، با توجه به این نگاه‌ها است. نخبه ما، هم در وضع زندگی، هم در وضع برنامه‌ریزی، هم در وضع پیشرفت کشور، هم در وضع پیشرفت بشریت می‌تواند اثرگذار باشد.^۱»

۳-۱۴. کشف دانش‌های جدید

«تولید علم، معنایش این است. علم یک محصولی نیست که تولیدش مثل تولیدهای دیگر باشد؛ به خیلی مقدمات نیازمند است؛ ولی باید بالاخره ما به آنجا برسیم که دانش را گسترش و بسط بدهیم، به ژرفای دانش برسیم، دانش‌های جدیدی را پیدا کنیم.»

دانش‌های ممکن برای بشر، فقط همین دانش‌هایی نیست که ما امروز داریم؛ بسیاری دانش‌ها قطعاً وجود دارد که بعدها بشر به آن‌ها خواهد رسید؛ کما اینکه بسیاری از دانش‌ها تا صدسال پیش نبود.^۱»

۳-۱۵. اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحوّل

«یکی از آن مبانی اساسی و ارزش‌های اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحوّل، به تکامل و تعامل با محیط، البته با پرهیز از انحراف‌ها و خطاهایی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد.»

تحوّل و تکامل؛ هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روش‌های گوناگون ما باید روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به‌دست آدم‌های خبره، به‌دست آدم‌های وارد، به‌دست انسان‌های اهل تعمق و کسائی که اهلیت ایجاد راه‌های نو را دارند؛ نیمه‌سوادها و آدم‌های ناوارد و مدّعی نمی‌توانند کاری

۱- دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ این‌ها همه یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاده باید حرکت کرد.^۱»

۳-۱۶. علم درون‌زا

«اگر ایران باید آینده‌ای داشته باشد و اگر این ملت باید همین راه استقلال و عزت و عدم وابستگی را که در آن وارد شده ادامه بدهد، این امکان ندارد مگر با عالم شدن این ملت. باید عالم بشوند و علم در این کشور ترقی پیدا کند. علم وارداتی، علم-به معنای حقیقی کلمه- نیست؛ علم درون‌زا است که اقتدار می‌بخشد.^۲»

۳-۱۷. عزت علمی، مرجعیت علمی

«کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا؛ همین‌طور که بارها عرض کرده‌ایم؛ یعنی همین‌طور که شما امروز ناچارید برای علم و دستیابی به محصولات علمی به دانشمندان، به کتاب‌هایی مراجعه کنید که مربوط به کشورهای دیگرند، باید به آنجا برسیم که جوینده دانش، طالب علم، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما؛ مجبور باشد زبان شمارا یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده کند.

۱- دیدار در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)،

۱۳۹۵/۰۳/۱۴

۲- دیدار اساتید دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

هدف باید این باشد. این یک آرزوی خام هم نیست. این چیزی است که عملی است. این جایی هم که ما امروز از لحاظ علمی و فناوری قرار داریم، این هم یک روزی جزء آرزوهای خام به حساب می‌آمد.^۱»

۳-۱۸. جهان اسلام، مرجع علمی دنیا

«یک روز در بخشی از تاریخ، علم دنیا دست ما مسلمان‌ها بوده؛ چرا امروز این جور نشود؟ چرا توقع و انتظار نداشته باشیم که تا ۳۰ سال دیگر دنیای اسلام بشود مرجع علمی دنیا، که همه، برای مسائل علمی به کشورهای اسلامی مراجعه کنند؟ این آینده ممکن است؛ همت کنیم، تلاش کنیم.

این‌ها همه‌اش به برکت اسلام و به برکت انقلاب، پیش می‌آید. نظام دینی اثبات کرد که می‌تواند سرعت و شتاب بیشتری داشته باشد.^۲»

۳-۱۹. رسیدن به مرجعیت علمی

«هدف پژوهش قاعدتاً دو چیز است: یکی رسیدن به مرجعیت علمی و حضور در جمع سرآمدان علم و فناوری، دوم حل مسائل کنونی و آینده کشور. این‌ها باهم منافات هم ندارد؛

۱- دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

۲- دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری

اسلامی، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

شنیده‌ام بعضی می‌گویند «آقا چطور [منافات ندارد]؟ این هدف درست است یا آن هدف؟» هر دو هدف درست است.

پژوهش بایستی هم برای رسیدن به اوج قلّه علم و ایجاد مرجعیت علمی باشد- که ما در آینده حتماً باید به این نقطه برسیم که مرجع علمی در دنیا به حساب بیاییم- هم باید برای حل مسائل جاری کشور باشد.^۱»

۳-۲۰. رسیدن به خطوط مقدم

«وجود شتاب رشد علمی به معنای این نیست که ما به هدف رسیدیم یا حتی به هدف نزدیک شده‌ایم؛ چون ما خیلی عقب بودیم. دنیا هم که منتظر نمی‌ماند که ما پیش برویم، او تماشا کند؛ دنیا هم دارد دائماً پیش می‌رود؛ البته شتاب ما بیشتر است، ما باید این شتاب را حفظ کنیم.

اگر این شتاب رشد علمی حفظ شد، این امید وجود دارد که ما برسیم به قلّه‌ها، برسیم به خطوط مقدم؛ و همان‌طور که بارها عرض کردم، کشور ما و مراکز علمی ما برای دنیا مرجع علمی بشوند. این باید اتفاق بیفتد و ان‌شاءالله این کار خواهد شد.^۲»

۱- دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

۲- دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۲/۰۷/۱۷

۳-۲۱. قدرت علمی، پایه و مایه قدرت بین‌المللی

«امروز کسانی در دنیا زور می‌گویند، خلاف قوانین بین‌المللی رفتار می‌کنند، وقیحانه‌ترین موضع را در دنیای تعامل بین‌المللی انسان‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها می‌گیرند و خجالت هم نمی‌کشند؛ سرشان را هم بالا می‌گیرند. چرا؟ چون قدرت دارند؛ قدرت اقتصادی و سیاسی (که از اقتصادی ناشی می‌شود) و بالاتر از همه این‌ها، قدرت علمی، که منشأ همه این‌هاست؛ یعنی منشأ قدرت اقتصادی و سیاسی‌شان هم قدرت علمی است.

ما این طرف دنیا حرف‌های حق زیادی داریم؛ حرفمان را شجاعانه می‌زنیم، منطقی‌مان را در صحنه‌های رویارویی منطقی هم اثبات می‌کنیم، در عمل هم البته چون توفیق الهی شامل حال این ملت شده و ایمان دارد، به قدر ایمان خودش، پیشرفت می‌کند؛ یعنی نتوانسته‌اند هم به آرزوهای خودشان در مورد این ملت برسند؛ اما احتیاج به یک چیز دیگری هم داریم و آن، عبارت است از «**قدرت بین‌المللی**»، تا بتوانیم این راه را بی‌دغدغه، درست، به‌طور کامل، همه‌جانبه و بی‌کم و کاست ادامه دهیم و به اهداف و آرمان‌هایمان برسیم. این قدرت را (قدرت اقتصادی، سیاسی و نفوذ فرهنگی) چطوری به‌دست آوریم؟ **پایه و مایه همه این‌ها، قدرت علمی است!** یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست بالا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال این‌ها به‌دست می‌آید؛ پول تابع توانایی‌هاست. امروز این‌طوری است؛ علم را می‌شود به پول

تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این، جایگاه علم است.^۱»

۳-۲۲. زبان فارسی، زبان علم

«اگر ملت ایران بخواهد جایگاه شایسته خود را پیدا بکند، این جایگاه، تعریف شده است. من مکرر گفته‌ام، ملت ما باید به جایی برسد که دانش‌پژوهان عالم، برای اینکه به قلّه‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند؛ این یک جایگاه تعریف شده است.

ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد. اگر بخواهیم به این جایگاه تعریف شده دست پیدا بکنیم، راه آن این است که از دانش، از هوش، از قدرت تحرک بالا، از قدرت ابتکار و از عزم راسخ در همه بخش‌ها استفاده کنیم و بهره بگیریم.^۲»

۳-۲۳. علم در حد سخنان اول دنیا

«قدرت پیدا کنید، اگر ایران اسلامی بتواند در زمینه علمی سخن خودش را در حد سخنان اول دنیا در بیاورد، کار شدنی است؛ چون علم، ثروت هم ایجاد می‌کند، قدرت نظامی هم ایجاد می‌کند، اعتماد به نفس هم ایجاد می‌کند. من بارها گفته‌ام، باز هم می‌گویم و باز هم بارها تأکید خواهم کرد که پایه و زیربنای اقتدار آینده شما ملت عزیز در قدرت علمی است.^۳»

۱- دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

۲- دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا، ۱۳۹۳/۰۲/۱۰

۳- دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۸۴/۰۷/۲۴

۳-۲۴. دانش، مایه اقتدار

«خود دانش، مایهٔ اقتدار است؛ ثروت آفرین است؛ قدرت نظامی آفرین است؛ قدرت سیاسی آفرین است.

یک روایتی هست که می‌فرماید: «**العلم سلطان**» - علم، قدرت است - «**من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه**» یعنی مسئله، دو طرف دارد: اگر علم داشتید، می‌توانید سخن برتر را بگویید، دست برتر را داشته باشید - «**صال**» یعنی این - اگر نداشتید، حالت میانه ندارد؛ «**صیل علیه**» پس کسی که علم دارد، او **دست برتر** را بر روی شما خواهد داشت؛ در مقدرات شما دخالت می‌کند؛ در سرنوشت شما دخالت می‌کند. باید بالاخره ما به آنجا برسیم که دانش را گسترش و بسط بدهیم، به ژرفای دانش برسیم، دانش‌های جدیدی را پیدا کنیم.^۱»

۳-۲۵. علم ناظر به فناوری

«تولید علم کنید. به سراغ مرزهای دانش بروید. فکر کنید. کار کنید. باکار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد؛ در بعضی رشته‌ها زودتر و در بعضی رشته‌ها دیرتر. فناوری هم همین‌طور است. **علم باید ناظر به فناوری باشد.** فناوری هم مرحلهٔ بسیار مهم و بالایی است. در فناوری هم می‌توانیم پیش برویم؛ همچنان که رفتیم.^۲»

۱- دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

۲- دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

۳-۲۶. فعالیت علمی ناظر به نیازهای کشور

«مطلب دیگری که من یادداشت کردم عرض بکنم، این است که خوب، در کار علمی و فعالیت علمی بحمدالله حرکت شروع شده است؛ یک نکته اساسی در فعالیت‌های علمی این است که فعالیت علمی کشور، ناظر به نیازهای کشور باشد.»^۱

فصل چہارم: تصویر وضع موجود

۴-۱. عدم توجه به عنصر علمی جهت‌دار

«دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو هست، که هیچ کدام نبایستی مغفول‌عنه بماند؛ اگر مغفول‌عنه ماند، ما ضرر خواهیم کرد: یکی عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعدادهای علمی و این قبیل چیزهاست؛ یکی هم عبارت است از روحیه و تدین و حرکت صحیح و سالم سازی معنوی و روحی دانشجو در دانشگاه‌ها، این دو عنصر بایستی بدون تفکیک از یکدیگر، با قدرت و با ظرفیت کامل کشور، تعقیب بشود.

اگر در کار عنصر اول کوتاهی کردیم، نتیجه چیست؟ همه می‌دانند. دانشگاهی که نتواند علم و تحقیق را به دانشجو منتقل بکند، و نتواند دانشجو را یک عالم، یک استاد، یک صاحب صلاحیت، یک مبتکر، و بالاخره یک مدیر بالفعل برای بخشی از بخش‌های بی‌شمار اداره جامعه بسازد، آن دانشگاه، دیگر دانشگاه نیست. در این زمینه، مسئله استاد، مسئله کتاب درسی، فضای آموزشی، آزمایشگاه و مجلات علمی هست؛ از این چیزهایی که دائم ورد زبان ماهاست و همه ما هم آن را دنبال می‌کنیم. همه شماها هم تقریباً دانشگاهی هستید و به این مسائل خیلی خوب توجه دارید و دنبال می‌کنید. ان‌شاءالله روز به روز هم باید به قدر امکانات کشور بیشتر برویم. عنصر دوم، عبارت است از روحیه و تدین و حرکت صحیح و سالم‌سازی معنوی و روحی دانشجو ... در فضای عمومی دانشگاهی کشور، به این نکته دوم یعنی مسئله

روحیه و تدین و آگاهی دانشجو و بیرون آوردن او از حالت یک عنصر علمی بی جهت و بی هدف، به سمت یک عنصر علمی جهت دار توجه کافی وجود ندارد. انسان با کامپیوتر متفاوت است. به کامپیوتر برنامه می دهند، آن هم برایشان جواب مسئله را حاضر می کند؛ اما انسان که این طور نیست. انسان خودش برنامه خودش را تنظیم می کند؛ خودش تصمیم می گیرد و خودش جهت گیری پیدا می کند. اگر ما از این جهت دوم غفلت بکنیم، دانشگاه همان چیزی خواهد شد که در بیانات امام، مکرر در مکرر نسبت به آن هشدار داده شده است.^۱»

۴-۲. علم وارداتی

«مدعا این نیست که ما در ظرف ده سال، پانزده سال، خودمان را به سطح علمی کشوری که دویست سال است تلاش علمی می کند و از محصول دویست سال قبل از آن بقیه کشورها هم استفاده کرده است، برسانیم.

این موردنظر نیست؛ بلکه مدعا این است که نباید وقت را تلف بکنیم. اگر ایران باید آینده‌ای داشته باشد و اگر این ملت باید همین راه استقلال و عزت و عدم وابستگی را که در آن وارد شده ادامه بدهد، این امکان ندارد، مگر با عالم شدن این ملت. باید عالم بشوند و علم در این کشور ترقی پیدا کند. **علم وارداتی، علم-**

به معنای حقیقی کلمه - نیست؛ علمِ درون‌زا است که اقتدار می‌بخشد.^۱»

۳-۴. تفکر و ذائقه ترجمه‌ای

«مسئله این است که یک مجموعه فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق و تو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه باورها و چارچوب‌های موردپسند خودش برای ملت‌ها و کشورهای دیگر را به آن‌ها تحمیل کند. این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار می‌شود. فکر هم که می‌کند، ترجمه‌ای فکر می‌کند و فرآورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد. البته نه فرآورده‌های دست‌اول؛ فرآورده‌های دست‌دوم، نسخ شده، دست‌مالی شده و از میدان خارج‌شده‌ای را که آن‌ها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می‌کنند و به‌عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگ‌تر و سخت‌تر است.^۲»

۴-۴. مدل‌بازی به‌جای مدل‌سازی

«تقلید، رایج شدن و پیشرفت تقلید، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه‌گرایی در دانشگاه؛

۱- دیدار اساتید دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

۲- دیدار جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

که هر چه که آن طرف مرزها، مرزهای غربی و کشورهای اروپایی، گفته‌اند، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسی حرف زد، بگویند مخالف علم حرف می‌زند؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمی‌دانیم... .

یک حرفی را در زمینه مسائل اجتماعی ۵۰، ۶۰ سال پیش فلان نویسنده یا فیلسوف یا شبه فیلسوف فرنگی گفته، حالا آقای بیاید در دانشگاه، دهنش را با غرور پُر کند و همان را دوباره به عنوان حرف نو برای دانشجو بیان کند! این پیشرفت نیست؛ پسرفت است. زبان ملی را مغشوش کردن، هویت اسلامی - ملی را سلب کردن و مدل بازی به جای مدل سازی، پیشرفت نیست. ما، وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمی‌دانیم.^۱

۴-۵. تکرار متون فرنگی و خارجی

«آن چیزی که در فضای علمی ما مشاهده می‌شود - که به نظر من یکی از عیوب بزرگ محسوب می‌گردد- این است که دهها سال است که ما متون فرنگی و خارجی را تکرار می‌کنیم، می‌خوانیم، حفظ می‌کنیم و بر اساس آنها تعلیم و تعلّم می‌کنیم؛ اما در خودمان قدرت سؤال و ایجاد خدشه نمی‌یابیم! باید متون علمی را خواند و دانش را از هرکسی فراگرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود، با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرئت

پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلاب‌های علمی در دنیا این‌گونه به‌وجود آمده است.^۱»

۴-۶. تنزل به شاگردی

«ما یک روزی در دنیای علم و مدنیت استاد بودیم؛ حالا به مرحله شاگرد تنزل پیدا کرده‌ایم؛ یک مدت هم شاگرد بسیار تنبل بودیم! اما امروز مشغول حرکتیم و بایستی پیش برویم؛ به‌خصوص در زمینه علوم پایه که در حقیقت پایه نظری هر تحرک علمی و هر فناوری پیشرفته است؛ من تأکید کرده‌ام و می‌کنم.

و البته در کنار این توجه یافتن و سمت‌گیری دانش، باید به‌سوی عمل و کاربردی کردن و نیازهای کشور را در نظر گرفتن و در آن جهت حرکت کردن، توجه داشته باشیم.^۲»

۴-۷. نرسیدن حرکت علمی به مرحله ثبات

«حقیقتاً حرکت علمی و نهضت علمی در کشور شروع شده است و پیش رفته است و کارهای بزرگی انجام گرفته است - که نمونه آن را از اساتید محترم شنیدید، و نمونه‌ها خیلی بیش از آن چیزی است که این دوستان در اینجا بیان کردند. کار شروع شده است و واقعاً در دنیا هم شناخته شده، این حرکت علمی کشور و

۱- دیدار جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

۲- دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳

در واقع رونمایی شده از نهضت علمی کشور عزیز ما، لکن آنچه من را دچار دغدغه می‌کند، این است که ما این حرکت‌مان هنوز به نقطهٔ ثبات نرسیده است.

ما مثل کسانی هستیم که در یک سرایشی تند، داریم به طرف بالا حرکت می‌کنیم. بله، حرکت کرده‌ایم، پیش هم رفته‌ایم، کارهای زیادی هم انجام گرفته است، اما وسط راهیم؛ در این سربالایی تند که داریم حرکت می‌کنیم، اگر توقف کردیم، این توقف، با عقب‌گرد همراه خواهد بود؛ توقف دیگر نیست. اگر حرکت ما از دور افتاد، بازگرداندن این نهضت، این حرکت، این شتاب علمی مشکل‌تر خواهد بود؛ این دغدغهٔ ما است. من می‌خواهم عرض بکنم به این حرکت علمی باید با همهٔ توان نیرو رساند، مدد رساند، باید کار کرد؛ مبادا وضعیتی پیش بیاوریم که این حرکت متوقف بشود؛ مطلب اول ما و مطلب اصلی ما این است.^۱»

۴-۸. در قدم اول بودن

«این تازه در قدم اول است. ما هنوز کاری نکردیم. بله در نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، بحث‌های هسته‌ای، بحث‌های هوا-فضا و رشته‌های گوناگون علمی پیشرفت‌هایی شده که مهم و بزرگ است؛ اما این‌ها در مقیاس و معیار حرکت علمی یک کشور

چیزی نیست. یکی از دوستان گفتند و بنده هم این آمار را دارم، که سرعت پیشرفت علمی و تولید علم در کشور ما یازده برابر متوسط دنیاست.^۱»

۴-۹. تنزل کردن شتاب علمی

«یکی مسئله حفظ شتاب علمی است. خوب، رتبه علمی محفوظ مانده؛ یعنی تنزل نکرده. ما [در] همان رتبه پانزدهم و شانزدهمی که بودیم- که رتبه خیلی بالا و خوبی است- [هستیم]؛ لکن شتاب تنزل کرده.

این را من به دوستان دانشگاهی هم گفتم و عرض می‌کنم که نگذارید شتاب علمی در دهه دوم چشم‌انداز- الآن وارد دهه دوم چشم‌انداز شده‌ایم- کم بشود. ما اگر چنانچه با همین شتاب پیش برویم، حتماً رتبه علمی ما باز هم ارزش و اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد؛ یعنی شاید در رتبه‌های زیر دهم قرار بگیریم؛ این به نظر من خیلی مسئله مهمی است.^۲»

۴-۱۰. کم شدن سرعت رشد علمی

«بنده حدود چهارده پانزده سال قبل از این، مسئله علم را و عبور از مرزهای موجود علم را و ابتکار علمی را مطرح کردم؛ یک عده‌ای گفتند نمی‌شود؛ بعضی‌ها آمدند در تلویزیون گفتند

۱- دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۰۴/۰۲

۲- دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

نمی‌شود. امروز ملاحظه می‌کنید که شده؛ همه اعتراف می‌کنند که شده.

سرعت پیشرفت کشور از متوسط سرعت پیشرفت علمی دنیا چندین برابر بیشتر بود؛ البته ما چون خیلی عقبیم، این سرعت پیشرفت باید سال‌ها ادامه پیدا کند تا برسیم به آن خطّ مقدم. لکن [این سرعت] بیشتر بود و الآن کم شده؛ این کم شدن را هم من هشدار دادم [اما] یک عده‌ای اعتراض کردند.^۱»

۴-۱۱. عقب بودن از خط مقدم

«آیا حالا که ما این پیشرفت‌های علمی را در زمینه‌های مختلف در کشور مشاهده می‌کنیم، یک نفس راحتی بکشیم، بنشینیم سر جایمان؟ خب، پیدا است که پاسخ منفی است؛ نه. ما هنوز از خط مقدم علم عقبیم، هنوز در بسیاری از دانش‌های موردنیاز زندگی دچار عقب‌ماندگی‌های مزمن هستیم؛ با همه این پیشرفتی که در بخشی از دانش‌ها داشته‌ایم. پس چون دچار عقب‌ماندگی هستیم، باید کار کنیم. وانگهی کاروان علم در دنیا متوقف که نمی‌شود؛ دارند با سرعت حرکت می‌کنند. ما نه فقط باید جایگاه فعلی‌مان را حفظ کنیم، بلکه باید جلو برویم؛ این‌ها همه‌اش تلاش لازم دارد، مجاهدت لازم دارد.»^۲

۱- دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

۲- دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

۴-۱۲. نامتوازن شدن رشته‌های دانشگاهی

«مسئله بعدی، نامتوازن شدن رشته‌های دانشگاهی است؛ بعضی از رشته‌ها در غربت قرار گرفته‌اند.

آماري که به من داده‌اند نشان می‌دهد که مثلاً حدود پنجاه درصد داوطلبان کنکور رشته ریاضی که رشته بسیار مهمی است، کاهش پیدا کرده؛ این برای آینده کشور خطرناک است؛ ما این رشته‌های مهم علوم پایه را- به خصوص مثل ریاضی را یا فیزیک را- برای آینده لازم داریم؛ اگر چنانچه داوطلبان این‌ها کم باشند و هجوم بشود به رشته‌های درآمدزا که حالا یک پولی و شغلی بلافاصله در اختیار انسان می‌گذارد، این [موجب] مشکل است. عوارض این عدم توازن را بایستی دستگاه‌های دانشگاهی حتماً جبران کنند و درست کنند.^۱»

۴-۱۳. شتاب رشد علمی

«رشد علمی ما امروز در مقیاس منطقه و در مقیاس جهانی خیلی خوب است. عدد مطلق رشد ما خوب است، شتاب رشد ما هم بسیار خوب است؛ یعنی شتاب پیشرفت خیلی بالاست؛ لکن این ملاک نیست؛ یعنی این شتاب باید محفوظ بماند.

۱- دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

وجود شتاب رشد علمی به معنای این نیست که ما به هدف رسیدیم یا حتی به هدف نزدیک شده‌ایم؛ چون ما خیلی عقب بودیم.^۱»

۴-۱۴. از دور نیافتادن حرکت علمی کشور

«اگر وضعیت دانشگاهی امروز کشور را با دوران اول انقلاب - یعنی آنچه که میراث قبل از انقلاب و دوران طاغوت بود - مقایسه کنیم، آمارها شگفت‌آورتر از این‌ها هم هست. آن روزی که انقلاب پیروز شد، صد و هفتاد هزار دانشجو داشتیم؛ امروز چهار میلیون و چهار صد هزار دانشجو در کشور هست؛ یعنی حدود بیست و پنج برابر. آن روز بار تعلیم بر دوش حدود پنج هزار استاد و استادیار و دانشیار و معلم و امثال این‌ها بود، امروز در حدود شصت هزار معلم دانشگاهی داریم؛ چه در دانشگاه‌ها، چه در مراکز پژوهشی. این‌ها مسائل مهمی است، این‌ها پیشرفت‌های ارزنده‌ای است. البته من اینجا چیزهایی یادداشت کرده‌ام که دیگر لزومی ندارد بیان کنم؛ بعضی از این‌ها را شماها می‌دانید و شنیده‌اید، بعضی‌ها هم لازم نیست مطرح شود. مقالات علمی پراستناد - یعنی مقالات علمی‌ای که از طرف محققین ایرانی منتشر می‌شود و در دنیا به آن‌ها استناد می‌شود - روزه‌روز رو به افزایش است؛ آمارش را به‌طور ریز به من داده‌اند، که حالا من نمی‌خواهم روی آن تکیه

۱- دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۲/۰۷/۱۷

کنم؛ اما این خیلی پدیده مهمی است. پس مجاهدت علمی در کشور اتفاق افتاده.

یک سؤالی در اینجا مطرح است: آیا حالا که ما این پیشرفت‌های علمی را در زمینه‌های مختلف در کشور مشاهده می‌کنیم، یک نفس راحتی بکشیم، بنشینیم سر جایمان؟ خب، پیدا است که پاسخ منفی است؛ نه. ما هنوز از خط مقدم علم عقبیم، هنوز در بسیاری از دانش‌های مورد نیاز زندگی دچار عقب‌ماندگی‌های مزمن هستیم؛ با همه این پیشرفتی که در بخشی از دانش‌ها داشته‌ایم. پس چون دچار عقب‌ماندگی هستیم، باید کار کنیم. وانگهی کاروان علم در دنیا متوقف که نمی‌شود؛ دارند با سرعت حرکت می‌کنند. ما نه فقط باید جایگاه فعلی‌مان را حفظ کنیم، بلکه باید جلو برویم؛ این‌ها همه‌اش تلاش لازم دارد، مجاهدت لازم دارد. لذا اولین حرف ما به دانشگاه‌های کشور و دانشمندان کشور و نخبگان کشور این است که نگذارید این حرکت از دور بیفتد، نگذارید حرکت علمی کشور متوقف شود؛ هیچ مانعی نتواند دانشگاه کشور را از رشد به سمت پیشرفت علمی باز بدارد.^۱»

۴-۱۵. ادامه پیدا کردن پیشرفت علمی کشور

«عزیزان من! آنچه مهم است این است که این پیشرفت علمی که در کشور از حدود دو دهه قبل به این طرف شروع شده، ادامه پیدا کند. ما در برخی از رشته‌های علمی نوپا در رتبه‌های بالای جهان هستیم؛ [یعنی] رتبه‌های زیر ده، رتبه پنجم، ششم. خب این‌ها خیلی افتخارآمیز است لکن این ما را به هیچ وجه قانع نمی‌کند. حالا در نانو، در زیست‌فناوری، در بعضی از چیزهای دیگر ما جلو هستیم [اما] این کافی نیست؛ حرکت علمی در دنیا یک حرکت پُرشتابی است، ما هم عقب‌ماندگی‌های بسیار متراکمی از سابق داریم، لذا بایستی این شتابی که در پیشرفت علمی هست ادامه پیدا کند.

البته تا الآن خوب کار شده؛ در این شانزده، هفده سالی که در این زمینه‌ها دنبال می‌کنیم و مشغول هستیم و سرگرم این کار هستیم، انسان مشاهده می‌کند که هم علم پیشرفت کرده، هم فناوری‌های برخاسته از علم پیشرفت کرده، هم آن چرخه‌ای را که من چند بار در جلسات گفته‌ام - [یعنی] چرخه تولید ثروت که تجاری‌سازی در آن هست - پیشرفت کرده.^۱»

فصل پنجم: تبیین راهبردها

۵-۱. تربیت عالم

«رکن اساسی دانشگاه، دانش است. یعنی چه؟ یعنی در دانشگاه باید هم عالم تولید بشود، هم علم تولید بشود، هم عالم و علم، جهت درست پیدا کند؛ این سه نکته اساسی در دانشگاه باید باشد. تربیت عالم که من از آن تعبیر می‌کنم به تولید عالم، و تولید علم که همان چیزی است که سال‌هاست تکرار می‌کنیم؛ یعنی خطوط مرزی علم را شکستن و جلو رفتن که این کاری است که ما در کشورمان هنوز نتوانسته‌ایم آن‌چنان که شایسته نظام جمهوری اسلامی است به آن برسیم؛ البته کارهایی شده، لکن عقیبیم.

باید بتوانیم از لحاظ علمی جلو برویم؛ وقتی علم جلو رفت، آن وقت فناوری هم جلو می‌رود؛ وقتی فناوری جلو رفت، تأثیر در زندگی می‌گذارد؛ وقتی فناوری جلو رفت، در دنیا چشم‌ها به شما متوجه می‌شود و احساس نیاز می‌کنند؛ در زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارید؛ این‌ها مسائل بسیار مهمی است. تکیه بنده بر روی علم و فناوری و مانند این‌ها که همیشه می‌گویم، به خاطر این است؛ این‌ها فراموش نشود.^۱»

۵-۲. صدور علم

«رابطه بین کشورها در زمینه علم باید رابطه صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. همچنانی که

۱- دیدار جمعی از دانشجویان چرخه علم و فناوری، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷

در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی می‌شود و احساس غبن می‌کند، در زمینه علم هم باید همین جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد می‌کنید - یا بیشتر- صادر کنید. باید جریان دوطرفه باشد.

والا اگر شما دائماً ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فراگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در اینجا هم منفی نباشد. متأسفانه در این یکی دو قرن شکوفایی علم در دنیا، تراز ما تراز منفی بوده. از اول انقلاب کارهای خوبی شده؛ اما این کارها بایستی با سرعت و شدت هرچه بیشتر ادامه پیدا کند.^۱»

۳-۵. مسیر مشخص ایرانی - اسلامی

«مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافتاده اردوگاه شرقِ قدیم هم نیست. بحران‌هایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، می‌دانیم که این بحران‌ها گریبان‌گیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب.

۱- دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

راه‌حلی که بر اساس این مقدمات وجود دارد، این راه‌حل را شما باید پیدا کنید.

شما باید به نتیجه برسید، به این استنتاج برسید، اما آنچه من می‌توانم به‌عنوان راهنمایی و راهبرد کلی به شما عرض کنم، تلاش و مجاهدت جوانانه و پیگیر است. شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاهی است؛ باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی.^۱»

۴-۵. مجاهدت برای پیشرفت علمی

«دانشگاه در اختیار کسانی قرار نگیرد که پیشرفت علمی را به هیچ می‌انگارند؛ به آن اهمیت نمی‌دهند؛ دانشگاه در اختیار کسانی قرار بگیرد که عاشق پیشرفت علمی کشورند؛ اهمیت این مسئله را برای سرنوشت این ملت و برای سرنوشت این کشور درک می‌کنند.

این عرض اصلی ماست؛ مخاطب این مسئله، هم مسئولین دولتی هستند، هم مسئولین دانشگاه‌ها هستند، هم خود شما اساتید هستید؛ دانشگاه حرکتی را شروع کرده، نگذارید این حرکت متوقف بشود؛ این حرکت بایست ادامه پیدا کند و باید مضاعف بشود. عرض کردم - حالا جای تفصیل کلام در اینجا

۱- دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

نیست - ما هنوز خیلی راه در پیش داریم تا به آن نقطه‌ای برسیم که از لحاظ علمی مورد نظر است؛ خیلی باید تلاش کرد؛ خیلی باید مجاهدت کرد.^۱»

۵-۵. همراه شدن روند تعالی علم با روح‌های قوی

«آن چیزی که در فضای علمی ما مشاهده می‌شود- که به نظر من یکی از عیوب بزرگ محسوب می‌گردد- این است که ده‌ها سال است که ما متون فرنگی و خارجی را تکرار می‌کنیم، می‌خوانیم، حفظ می‌کنیم و بر اساس آن‌ها تعلیم و تعلم می‌کنیم؛ اما در خودمان قدرت سؤال و ایجاد خدشه نمی‌یابیم باید متون علمی را خواند و دانش را از هر کس‌ی فراگرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود، با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرئت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلاب‌های علمی در دنیا این‌گونه به وجود آمده است. عزیزان من ما امروز در کشورمان به پیشرفت علم نیاز داریم. امروز اگر برای علم سرمایه‌گذاری و مجاهدت و تلاش نکنیم، فردای ما، فردای تاریکی خواهد بود. کسانی تلاش می‌کنند که روند کار علمی را کند یا متوقف کنند و یا مورد بی‌اعتنایی قرار دهند. این کار، پسندیده نیست. امروز در کشور، یکی از فرایض حتمی برای این نسل- که در درجه اول هم این فریضه بر دوش شما دانشگاهی‌هاست- عبارت از تقویت بنیه علمی کشور است. ما

۱- دیدار اساتید دانشگاه‌ها در چهارمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵ در

اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعت‌مان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعی‌مان عقب خواهد ماند.^۱»

۵-۶. همت و تلاش

«این حرکت در دنیای اسلام باید ادامه پیدا کند. کشورهای اسلامی دارای استعدادند. جوان‌های خوبی داریم، جوان‌های خوبی دارید؛ استعدادهای خوبی هستند. یک روز در بخشی از تاریخ، علم دنیا دست ما مسلمان‌ها بوده؛ چرا امروز این جور نشود؟ چرا توقع و انتظار نداشته باشیم که تا سی سال دیگر دنیای اسلام بشود مرجع علمی دنیا، که همه برای مسائل علمی به کشورهای اسلامی مراجعه کنند؟

این آینده‌ممکنی است؛ همت کنیم، تلاش کنیم. این‌ها همه‌اش به برکت اسلام و به برکت انقلاب پیش می‌آید. نظام دینی اثبات کرد که می‌تواند سرعت و شتاب بیشتری داشته باشد.^۲»

۵-۷. جهاد علمی

«امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است. البته اینجا که عرض می‌کنم علم، منظورم معنای عام علم است؛ نه فقط علوم تجربی. ما یک جهاد علمی لازم داریم. من حالا خواهم پرداخت به بعضی از

۱- جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

۲- دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری

اسلامی، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

مطالبی که برادران و خواهران بیان کردند و اگر یک نقطه‌نظری باشد، در ذیل بیانات دوستان عرض خواهیم کرد؛ اما آنچه به نظر من، جمع‌بندی همهٔ مسائل است- که بنده خود را متعهد می‌دانم که آن را، هم بگویم، هم دنبال کنم، هم با دقت و وسواس و دلواپسی نگاه کنم ببینم به کجا رسید- این است که کشور نیاز دارد به **جهاد علمی**.^۱»

۵-۸. مدیریت جهادی

«معنای **مدیریت جهادی** در اینجا این است که توجه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور و پیشرفت علمی کشور مواجه است با یک **چالش خصمانه**، که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیرید، شما که استادید، شما که دانشجو هستید، باید **بایستید**؛ این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت دانشگاه، چه مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخش‌های گوناگون این عرصه عظیم، خواهد شد **مدیریت جهادی**. یکی از نقشه‌های مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی در کشور است. خب، وقتی این را فهمیدیم، برمی‌گردیم به دانشگاه؛ اینجا آن مدیریت جهادی که ما عرض کردیم، معنا پیدا می‌کند.^۲»

۱- دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۰۶/۱۴

۲- دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

۵-۹. شجاعت علمی

«شجاعت علمی در بخش‌های علوم پایه: دنبال کردن، تولید، خلق، ابداع، نقد و عدم دنبال کردن چشم‌پسته و تقلیدی نظریات. آنچه اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهه همت خودشان باید قرار بدهند، اولاً «شجاعت علمی» در همهٔ بخش‌هاست؛ هم در بخش‌های علوم انسانی، هم در بخش‌های علوم تجربی، هم در بخش‌های نزدیک به عمل و فناوری، و هم در بخش‌های علوم پایه. نظریه را دنبال کنند، تولید کنند، خلق کنند، ابداع کنند، نقد کنند؛ چشم‌پسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد.»^۱

۵-۱۰. جرئت نوآوری

«ما اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعتمان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعی‌مان عقب خواهد ماند. امروز کسانی که بر دنیا خدایی می‌کنند؛ آن دست‌های مرموزی که اختیار منابع عظیم انسانی و مادی دنیا را در دست گرفته‌اند و همهٔ اقیانوس‌ها و همهٔ تنگه‌های حساس دریایی زیر چشم‌شان است و هر جا می‌خواهند دخالت می‌کنند، با ابزار علم بود که توانستند بشریت را به این خاکستر بنشانند! لذا برای مقابله با کار آن‌ها، علم لازم است. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرئت نوآوری داشته

باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیره جزئی‌گری تعریف‌های علمی القاشده و دائمی دانستن آن‌ها خلاص شوند.^۱»

۵-۱۱. روحیه استقلال، کار برای خدا

«وقتی جهاد یعنی تلاش هدف‌دار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته دانش در همه زمینه‌ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه استقلال، روحیه توکل به خدا و روحیه کار برای ایمان طی نخواهد شد.

باید این راه را سریع طی کنیم و راه‌های میانبر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم. این کار، ممکن است؛ زیرا اینجا سرزمین علم‌خیز است و شماها نشان دادید که می‌شود. درهای بسیاری از این دانش‌ها بر روی کشورهایی مثل کشور ما و غیر دارندگانش بسته است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود که کهنه و دستمالی شده است و از نویی و طراوت افتاده است.^۲»

۵-۱۲. رویکرد تولید علم

«این تصحیح و اصلاح کار دانشگاه‌ها همین امروز مصداق‌های روشنی دارد. یکی از مصداق‌های روشن این است که ما رویکرد مصرف‌کنندگی علم را تبدیل کنیم به رویکرد تولید علم.

۱- دیدار جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹

۲- دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱

تا کی باید ما بنشینیم مصرف‌کننده علم دیگران باشیم؟ بنده با یادگرفتن علم از دیگران هیچ مخالف نیستم؛ این را بارها گفته‌ام و همه هم می‌دانند؛ گفتم ما ننگ‌مان نمی‌کند که از آن کسی که دارای علم است یاد بگیریم و شاگردی کنیم؛ اما شاگردی یک حرف است، تقلید یک حرف دیگر است! تا کی دنباله‌رو علم این‌وآن باشیم؟ چرا در زمینه علوم انسانی وقتی گفته می‌شود که بنشینیم فکر کنیم و علوم انسانی اسلامی را پیدا کنیم، یک عده‌ای فوراً برمی‌آشوبند که «آقا! علم است». علم است؟ در علوم تجربی که علم بودنش و نتایجش قابل آزمایش در آزمایشگاه است، این‌همه غلط بودن یافته‌های علمی روزبه‌روز دارد اثبات می‌شود، آن‌وقت شما در علوم انسانی توقع دارید غلط نباشد. در اقتصاد چقدر حرف‌های متعارض و متضاد وجود دارد! در مدیریت، در مسائل گوناگون علوم انسانی، در فلسفه، این‌همه حرف‌های متعارض وجود دارد؛ کدام علم؟ علم آن چیزی است که شما به آن دست پیدا کنید، بتوانید بفهمید آن را، از درون ذهن فعال شما تراوش بکند. باید دنبال این باشیم که ما تولید علم بکنیم؛ تا کی مصرف کنیم علم این‌وآن را؟ بله، مانعی ندارد که مثل کالایی که خودمان نداریم، دیگری دارد و از او می‌گیریم و استفاده می‌کنیم، از علم دیگران استفاده بکنیم؛ اما این نمی‌تواند دائمی باشد، این نمی‌تواند همیشگی باشد؛ گاهی علم دیگران درست به ما منتقل نمی‌شود، گاهی آن بخش خوبش را به ما نمی‌دهند، گاهی نو و به‌روزشده‌اش را به ما نمی‌دهند و این اتفاق در کشور ما متأسفانه در سال‌های حکومت طاغوت بارها افتاده؛ ما که نباید

تجربه‌ها را مجدداً تکرار بکنیم؛ بنابراین بایستی تولید علم بکنیم.^۱»

۵-۱۳. قدرت علمی و جرئت علمی برای نوآوری علمی

«یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها عبارت است از نواندیشی علمی. مسئلهٔ تحجّر، فقط بلای محیط‌های دینی و افکار دینی نیست؛ در همهٔ محیط‌ها، تحجّر، ایستایی و پایبند بودن به جزم‌گرایی‌هایی که بر انسان تحمیل شده - بدون این که منطق درستی به دنبالش باشد - یک بلاست. آنچه برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفهٔ آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینهٔ مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجهٔ اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نواندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم است.

البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرئت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیرهٔ علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به‌دست آمدن قدرت علمی،

۱- دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند؛ اما ذخیرهٔ انباشتهٔ علمی آن‌ها هیچ‌جا کاربُرد ندارد، کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلا نمی‌رساند. بنابراین جرئت علمی لازم است.^۱»

۵-۱۴. نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی

«نباید فکر کنیم که ما همیشه باید شاگرد بمانیم. معنای این نگاه تقلیدی، این است: ما همیشه باید شاگرد بمانیم. نوآوری لازم است. اعتماد به نفس شخصی و اعتماد به نفس ملی در اساتید ما، یک ضرورت است. اولاً، استاد ما شخصاً اعتماد به نفس داشته باشد و کار علمی بکند. به آن کار علمی‌اش تکیه بکند و افتخار کند. ثانیاً، اعتماد به نفس ملی داشته باشد. به قابلیت و توانایی‌های این ملت اعتماد داشته باشد. اگر این معنا در یک استاد وجود داشته باشد، این سرریز خواهد شد در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به دانشجویان و تأثیر تربیتی خودش را خواهد گذاشت. و ثالثاً، پرکاری؛ ما یک مقداری از ناحیهٔ کم‌کاری‌هایمان و تنبلی‌هایمان - در بخش‌ها و سطوح مختلف - ضربه خوردیم. باید کار کرد و از کار نباید خسته شد. بنابراین نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی،

۱- دیدار جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

اعتماد به نفس شخصی و ملی و کار متراکم و انبوه، علاج کار پیشرفت علمی ماست. مخاطب این هم اساتید دانشگاه‌اند.^۱»

۵-۱۵. نظام ملی نوآوری

«توصیه به نظام ملی نوآوری است. الآن اینجا یک خلأیی وجود دارد - و همین خلأ موجب شده نقشه جامع علمی هم، آن چنان که باید و شاید عملیاتی نشود - و آن عبارت است از همین خلأ نظام ملی نوآوری، که عبارت است از یک شبکه‌ای از فعالیت‌ها، تعامل‌های زنجیره‌ای، در سطح‌های کلان و میانی و خرد، بین دستگاه‌های علمی کشور؛ چه در درون محیط علمی، چه بیرون محیط علمی. یک تعامل این چنینی باید به وجود بیاید، که این به عنوان نظام ملی نوآوری شناخته شود؛ کارش هم عبارت است از این که جریان دانش و نوآوری را مدیریت کند، رصد کند، ارزیابی کند، هدایت کند.

این، امروز یک چیز لازمی است و به نظر من مسئولان و مدیران باید به این مسئله فکر کنند.^۲»

۱- دیدار اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳/۰۷/۱۳۸۵

۲- دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۲۲/۰۵/۱۳۹۱

۵-۱۶. تولید علم به معنای حقیقی کلمه

«باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که روح نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده شود و زنده بماند.^۱»

۵-۱۷. اقدام به تحقیقات عمیق و بنیانی

«استادان دانشگاه‌ها و دانشمندان در کنار یافتن راه‌حل‌های علمی مشکلات موجود، به تحقیقات عمیق و بنیانی نیز اقدام کنند؛ چراکه این‌گونه پژوهش‌ها، بستر پیشرفت درازمدت کشور را فراهم می‌کند و باید به دانشمندان، این فرصت و اجازه را داد که در کارهای علمی بلندپروازی کنند.^۲»

۵-۱۸. مطالبه‌کننده چیزهای ناشناخته

«شما به‌عنوان کسانی که از استعداد و توانایی‌های خوب برخوردارید؛ اما از قافله علمی عقبید، راهی را پیدا کنید؛ کاوشگر و پژوهشگر و مطالبه‌کننده چیزهای ناشناخته باشید و این روحیه را در دانشگاه‌ها زنده کنید؛ «کم ترک الاوّل للاخر». خیلی چیزها هست که تاکنون کشف نشده، ولی ناگهان یک نفر آن‌ها را کشف می‌کند. عرض کردم کشف جدید و شناختن راه جدید، لزوماً مبتنی بر این نیست که ما از پیشرفته‌ترین فناوری در دنیا

۱- دیدار جمعی از دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

۲- دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

برخوردار باشیم تا کسی بگوید ما این را نداریم؛ نخیر، می‌توان در بخش‌های مختلف، این توقع را از خود و جامعه علمی داشت.^۱»

۵-۱۹. افزودن بر دانش جهانی و تولید فرآورده‌های جدید دانش بشری

«در موضوع حرکت و پیشرفت علمی، آنچه که باید به‌عنوان هدف مدنظر قرار گیرد، افزودن بر دانش جهانی و تولید فرآورده‌های جدید دانش بشری است.

... ما باید در مسیر پیشرفت علمی خود به‌دنبال کشف ناشناخته‌های علمی باشیم که زندگی انسان‌ها را متناسب با ارزش‌های انسانی، ارتقا دهد و در عین حال آثار مخربی برای بشریت نداشته باشد.^۲»

۵-۲۰. نقاد بودن و مرعوب غرب نشدن

«امروز متأسفانه فضا طوری است - چون این کارها را نکرده‌ایم - که اگر کسی بیاید نه لزوماً یک نظریه نو، بلکه یک بدعت، یک سنت‌شکنی یا یک لگدکوبی به یک مرز را سرچوب کرده و بلند کند و هیاهو راه بیندازد، می‌تواند عده‌ای را به‌صورت عوام‌فریبانه دور خود جمع کند. مخالف او هم با همان روش با او برخورد می‌کند و بنا می‌کند به محکوم کردن او از یک موضع طرد و لعن. شاید اصل محکوم کردن درست باشد؛ اما خیلی از اوقات شیوه‌اش

۱- دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

۲- دیدار با مسئولان و جمعی از محققان جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۳/۰۳/۱۹

درست نیست. گاهی هم می‌بینیم که کارهای خوبی در این زمینه انجام می‌شود. البته هر دو کار، غلط است؛ چون اگر آن نظریه یک نظریه نو است، اول باید در یک مجمع تخصصی مطرح شود، هیأت منصفه مورد قبولی علمی بودن آن را تأیید کند که بر پایه‌های علمی استوار است و مثلاً حرف‌اف و لفاظی و عوام‌فریبی و جنجال‌سازی نیست. اول باید این را مشخص کنند. بعد از آنکه معلوم شد ارزش علمی دارد، مورد نقادی قرار گیرد و حق و ناحق بودن، اشکال کردن بر موارد آن و تثبیت یا رد کردن پایه‌هایش آغاز شود. این معنا در دانشگاه‌ها در همه زمینه‌های علمی حتی علوم محض، علوم پایه، علوم طبیعی و علوم انسانی جاری است و در زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی و معارف و علوم حوزوی هم جاری است.^۱»

«مرعوب غرب هم نشوید. درست است که امروز غربی‌ها از لحاظ علم و فناوری از ما خیلی جلوترند اما شما مرعوب این جلوتر بودن نشوید. چرا؟ برای اینکه شما از آن‌ها بالاتر هستید. آنکه شما می‌بینید امروز فناوری پیشرفته دارد و صنایع و اختراعات و مانند این‌ها دارد، ۲۰۰ سال است شروع کرده؛ شما ۳۵ سال است شروع کرده‌اید. انقلاب شما ۳۵ ساله است.^۲»

۱- دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۰۷

۲- دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا، ۱۳۹۴/۰۷/۲۲

۵-۲۱. علوم پایه عامل رسیدن به اوج قله

«درزمینه علم، من بر نقطه خاص می‌خواهم تأکید کنم: یکی، علوم پایه است؛ یکی، علوم انسانی. ما به دنیا که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم آن چیزی که کشورهای پیشرفته را توانسته به این اوج و قله برساند، ریاضی، فیزیک، شیمی و علوم زیستی است؛ ما باید به این علوم بپردازیم. البته در سال‌های بعد از انقلاب - قبل از انقلاب هم به شکل جریان ضعیف‌تر - پزشک، مهندس و به میزان زیاد حقوق‌دان تربیت کردیم که این تخصص‌ها لازم است و برای یک کشور مثل آب‌وهواست؛ منتها توجه بکنیم که تربیت پزشک، تربیت مهندس، تربیت حقوق‌دان، تربیت معلم، تربیت نیازهای روزمره جامعه است و ما باید محقق هم تربیت کنیم که بتواند آینده را برای ما صاف کند. مهندس، این بنا را برای امروز ما می‌سازد و نیازهای امروز ما را برآورده می‌کند که اگر ما مهندس و دکتر نداشته باشیم، باید برویم از بنگلادش بیاوریم؛ مثل زمان رژیم طاغوت.

همین مسئله درباره نداشتن مهندس هم صدق می‌کند، که الحمدلله ما امروز درزمینه مسائل راه، سد، بناهای مهم و کارهای عظیم، مهندسانی داریم که خودشان کارها را انجام می‌دهند و پزشکان عالی‌قدری هم داریم که کارهای بزرگی را انجام می‌دهند که یک‌وقت در این کشور کسی خوابش را هم نمی‌دید که بتوانند انجام بدهند؛ لیکن این‌ها امکانات مصرفی هستند؛ این، پولی است که ما در جیب‌مان می‌گذاریم برای اینکه خرج کنیم و غیراز آن

مرکز پول‌سازی است که بایستی در آنجا سرمایه‌گذاری کرد، که ما آن را هم لازم داریم؛ به‌خصوص در دانشگاه‌ها. بنابراین، به علوم پایه در دانشگاه‌ها اهمیت داده شود.^۱»

۵-۲۲. هدایت تحصیلی به سمت علوم پایه

«در همین زمینه، من به مسئله پرداختن به علوم پایه اشاره می‌کنم که قبلاً هم یک وقتی، یکی دو بار در صحبت با دانشگاهی‌ها مطرح کرده‌ام.

بحث علوم پایه خیلی مهم است منتها چون دستاوردِ نقدِ حاضر و آماده‌ای برایش وجود ندارد، گرایش به آن در بین دانشجویها و کسانی که رشته انتخاب می‌کنند، کم است. باید ترتیبی داده بشود که گرایش به این دانش‌های علوم پایه یک گرایش بهتری، و گرم‌تری از سوی دانشجویان باشد. و علوم پایه، هم نیاز دارد به سرمایه‌گذاری دولت - چون متأسفانه دولت‌ها هم وقتی مشکل مالی پیدا می‌کنند، جزو اولین جاهایی که در بودجه حذف می‌شود، عبارت است از همین بخش علم و فرهنگ و مانند این‌ها؛ این‌ها هیچ مشکلی، دردسری ندارد؛ اول بودجه این‌ها را [قطع می‌کنند]؛ آمدند به من گفتند که بودجه بخش‌های علمی را امسال پنجاه درصد کم کرده‌اند؛ خب یعنی پنجاه درصد از فعالیت علمی کشور بایستی متوقف بشود - دولت باید کمک بکند، هم خود صاحب‌نظران و دانشمندان باید کمک کنند، هم آموزش و پرورش در این زمینه وظیفه دارد؛ هدایت تحصیلی باید

۱ - دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴

انجام بگیرد از طرف آموزش و پرورش؛ جوری این جوان را حرکت بدهند و هدایت تحصیلی بکنند که به سمت علوم پایه و مانند این‌ها حرکت بکند.

این هم یک مسئله است که اینجا من یادداشت کرده‌ام. ما در علوم پایه باید سرمایه‌گذاری مستمر بکنیم و حرکتمان حرکت پیش‌دستانه باشد؛ یعنی سعی کنیم به استقبال حقایق کشف نشده‌ی عالم برویم. حقایق بسیاری در عالم وجود دارد که کشف نشده، کما اینکه صدسال پیش خیلی از حقایقی که امروز کشف شده، کشف نشده بود؛ در طبیعت وجود داشت اما کشف نشده بود.

این جور نیست که فرض کنید که نیروی الکتریسیته تازه به وجود آمده [باشد]؛ از اولی که دنیا به وجود آمد، این بود، [لکن] کسانی همت کردند، هوشمندی به خرج دادند و این را کشف کردند. ما دنبال حقایق کشف نشده‌ی عالم وجود باشیم؛ یکی از کارهای اساسی ما این است. پرداختن به علوم پایه و علوم بنیادی این خصوصیت را دارد که جامعه علمی را می‌کشاند به سمت کشف حقایق کشف نشده؛ نه اینکه ما هم فقط صرفاً حول و حوش حقایقی که کشف شده است و حرکت‌هایی که دیگران انجام داده‌اند، حرکت بکنیم.^۱»

۵-۲۳. متوازن سازی رشته‌های دانشگاهی به سمت علوم پایه

«ما این رشته‌های مهم علوم پایه را- به‌خصوص مثل ریاضی را یا فیزیک را- برای آینده لازم داریم؛ اگر چنانچه داوطلبان این‌ها کم باشند و هجوم بشود به رشته‌های درآمدزا که حالا یک پولی و شغلی بلافاصله در اختیار انسان می‌گذارد، این [موجب] مشکل است.

عوارض این عدم توازن را بایستی دستگاه‌های دانشگاهی حتماً جبران کنند و درست کنند.^۱»

۵-۲۴. رویه‌سازی و جریان‌سازی

«ما بایستی درزمینه پیشرفت علمی به تحرک نقطه‌ای در فلان دانشگاه یا فلان پژوهشکده یا مانند این‌ها اکتفا نکنیم؛ باید روندسازی بشود، رویه‌سازی بشود؛ باید در کشور جریان‌سازی بشود درزمینه علم و پیشرفت علمی؛ به‌صورت جریان دربیاید، به‌صورت رویه دربیاید که قابل توقف نباشد.^۲»

۵-۲۵. گفتمان‌سازی

«آخرین مطلب، مسئله گفتمان‌سازی است. این مطالبی که عرض کردیم، این‌ها فقط نصیحت و درد دل بین ما نیست که شما بگویید بنده بشنوم، بنده بگویم شما بشنوید، باید این‌ها

۱- دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

۲- دیدار نخبگان جوان علمی، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶

به صورت گفتمان دریاید. گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند؛ این، با گفتن حاصل می‌شود؛ با تبیین لازم - تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون - حاصل می‌شود؛ با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد.^۱»

۵-۲۶. چرخه به هم پیوسته دانش‌ها

«آنچه در کشور لازم است و می‌تواند موقع و جایگاه علمی کشور را به طور شایسته و افتخار انگیز به ما نشان دهد که بالا رفته، وجود یک چرخه علمی کامل است. در همه بخش‌ها یک چرخه به هم پیوسته مهمی از انواع دانش‌هایی که مورد نیاز کشور است، باید وجود داشته باشد تا این‌ها هم‌افزایی کنند و به کمک هم بیایند. یک مجموعه کامل علمی در کشور بایستی به وجود بیاید؛ این هنوز نشده.

این جزیره‌ها بایستی به طور کامل به هم متصل شوند، یک مجموعه واحد تشکیل شود؛ به هم کمک کنند، همدیگر را پیش ببرند، هم‌افزایی کنند، راه را برای جستجو و یافتن منطقه‌های تازه علمی در این آفرینش وسیع الهی باز کنند؛ سؤال مطرح کنند، به آن سؤال‌ها پاسخ داده شود؛ این‌ها همه‌اش لازم است.^۲»

۱- دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

۲- دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴

۵-۲۷. جریان عام تمامی ناپذیر

«یک جریان عام تمامی ناپذیر در زمینه علم و در همه رشته‌های علوم به وجود بیاید؛ از علوم انسانی تا علوم تجربی و انواع علوم بایستی ما این پدیده را ببینیم و مشاهده کنیم. این کار، تلاش لازم دارد؛ این، همانی است که من در یک جلسه‌ای با جمعی از فرزندان و دانشگاهیان - که به نظرم ماه رمضان بود - گفتم جهاد علمی لازم است، مجاهدت لازم دارد.^۱»

۵-۲۸. سرمایه‌گذاری روی علم

«عزیزان من! ما امروز در کشورمان به پیشرفت علم نیاز داریم. امروز اگر برای علم سرمایه‌گذاری و مجاهدت و تلاش نکنیم، فردای ما، فردای تاریکی خواهد بود. کسانی تلاش می‌کنند که روند کار علمی را کند یا متوقف کنند و یا مورد بی‌اعتنایی قرار دهند. این کار، پسندیده نیست.

امروز در کشور، یکی از فرایض حتمی برای این نسل - که در درجه اول هم این فریضه بر دوش شما دانشگاهی‌هاست - عبارت از تقویت بنیه علمی کشور است. ما اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعت‌مان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعی‌مان عقب خواهد ماند.^۱»

۵-۲۹. سرمایه‌گذاری بر روی مسئله علم و فناوری و نخبه‌پروری

«اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتماً در یکی از با اولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فناوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند. بنابراین با یک نگاه راهبردی، علم یک چنین اهمیتی دارد. تکیه ما بر این اساس است.»^۱

۵-۳۰. سرمایه‌گذاری مستمر و حرکت پیش‌دستانه

«ما در علوم پایه باید سرمایه‌گذاری مستمر بکنیم و حرکتمان حرکت پیش‌دستانه باشد؛ یعنی سعی کنیم به استقبال حقایق کشف نشده عالم برویم.

حقایق بسیاری در عالم وجود دارد که کشف نشده، کما اینکه صدسال پیش خیلی از حقایقی که امروز کشف شده، کشف نشده بود؛ در طبیعت وجود داشت اما کشف نشده بود. این جور نیست که فرض کنید که نیروی الکتریسیته تازه به‌وجود آمده [باشد]؛ از اوّلی که دنیا به‌وجود آمد، این بود، [لکن] کسانی همت کردند، هوشمندی به خرج دادند و این را کشف کردند. ما دنبال حقایق کشف نشده عالم وجود باشیم؛ یکی از کارهای اساسی ما این

است. پرداختن به علوم پایه و علوم بنیادی این خصوصیت را دارد که جامعه علمی را می‌کشاند به سمت کشف حقایق کشف نشده؛ نه اینکه ما هم فقط صرفاً حول و حوش حقایقی که کشف شده است و حرکت‌هایی که دیگران انجام داده‌اند، حرکت بکنیم.^۱»

۵-۳۱. سرمایه‌گذاری فکری، علمی، پولی و تبلیغی

«دوتا شاخه اصلی وجود دارد: علوم انسانی و علوم پایه؛ هر کدام به جای خود. اگر ما اینجا روی علوم انسانی تکیه می‌کنیم، معنایش این نیست که روی ریاضی و فیزیک و شیمی و علوم زیستی تکیه نمی‌کنیم، چرا؛ آنجا هم بنده یک تکیه صددرصدی دارم؛ آن‌ها هم برای خودشان مردانی و کسانی دارند؛ علوم انسانی هم بایستی مردان و کسانی برای خودشان داشته باشد.

باید روی این دوشاخه - دوشاخه اصلی؛ یعنی علوم انسانی و علوم پایه - در کشور، سرمایه‌گذاری فکری، علمی، پولی و تبلیغی بشود تا اینکه پیش بروند. علم را بایستی در حد اعلای دنبال کنید.^۲»

۵-۳۲. الگوسازی

«دانشگاه در کشور زیاد است و روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود؛ اما دانشگاه نظامی، دانشگاهی که به‌عنوان پشتیبانی علمی و سازمان‌دهی و برای برآوردن همه نیازهای سازمان عظیمی مثل

۱- دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

۲- دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» باشد، باید وجود داشته باشد. به آسانی نمی‌توان از این گذشت و صرف‌نظر کرد... . این دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) باید مظهر ایمان و تقوا و نظم، مظهر راستی و پاکی و صداقت، و مظهر روشن‌بینی و روشنفکری باشد. این دانشگاه باید به بیرون الگو بدهد.^۱»

۳۳-۵. کاربردی کردن

«ما یک روزی در دنیای علم و مدنیت استاد بودیم؛ حالا به مرحله‌ی شاگرد تنزل پیدا کرده‌ایم؛ یک مدت هم شاگرد بسیار تنبل بودیم! اما امروز مشغول حرکتیم و بایستی پیش برویم؛ به‌خصوص در زمینه‌ی علوم پایه که در حقیقت پایه‌ی نظری هر تحرک علمی و هر فناوری پیشرفته است؛ من تأکید کرده‌ام و می‌کنم.

و البته در کنار این توجه یافتن و سمت‌گیری دانش، باید به‌سوی عمل و کاربردی کردن و نیازهای کشور را در نظر گرفتن و در آن جهت حرکت کردن، توجه داشته باشیم.^۲»

۳۴-۵. پرورش قوه‌ی عاقله‌ی کشور

«اگر دانشگاه بخواهد نقش ایجاد و پرورش قوه‌ی عاقله‌ی کشور را درست ایفا کند، یک الزاماتی دارد که باید به این الزامات حتماً

۱- دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۷۴ / ۰۸ / ۱۷

۲- دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، ۲۳ /

توجه کند. من سه مورد از این الزامات را اینجا یادداشت کرده‌ام که حالا مختصراً دربارهٔ هر کدام صحبت می‌کنم:

◀ یکی عبارت است از درگیر شدن با مسائل کشور؛ یعنی دانشگاه خودش را از مسائل کشور جدا نداند و مسائل کشور، چالش‌های کشور برای دانشگاه، مسائل واقعی و حقیقی و اصلی باشد.

◀ دوم، تربیت فرهنگی و اخلاقی و هویتی دانشجویان است؛ یعنی فراتر از تعلیم، مسئلهٔ تربیت؛ آن‌هم با جهت‌گیری اخلاقی و معنوی و تلطیف روحی و دمیدن روح احساس هویت در مجموعهٔ جوان دانشجو.

◀ سوم، یک سیورورت دائمی در محیط دانشگاه، یک تحوّل مستمر و دائمی در محیط دانشگاه؛ علت هم این است که اولاً همهٔ نهادهای عالم احتیاج به تحوّل دارند، چون بشر در حال تحوّل و در حال پیشرفت و در حال حرکت است، بنابراین نهادهای بشری همه بایستی در خودشان قدرت تحوّل دائمی را ایجاد کنند و این یک دغدغه‌ای باشد برای آن‌ها.^۱»

۵-۳۵. مسلح شدن به علم

«باید بتوانیم مسلح به علم شویم تا تهدید رقیب یا دشمن، نتواند آن طوری که تاکنون کارآمد بوده است، کارآمد باشد.

این یک هدف راهبردی بسیار بلندمدت و بسیار مهم و حیاتی است.^۱»

۵-۳۶. حل مسئله کشور مبنای ارتقا

«یک مسئله هم مسئله مقاله محوری است که اشاره کردم که باید مقاله‌ها در جهت حل مسائل کشور باشد.

مسیر ساده تولید مقاله برای ارتقا اساتید هم خودش یک مشکلی است؛ در آیین‌نامه ارتقا، مقاله برای ارتقا اساتید یک نقش بسیار اساسی دارد؛ خب این، یک مسیر ساده‌ای است؛ یک مقداری کار را دقیق‌تر باید انجام داد، یعنی ارتقا را صرفاً مبتنی بر مقاله نباید کرد؛ کارهای اساسی‌تری وجود دارد که آن‌ها می‌تواند ملاک ارتقا باشد.^۲»

۱- دیدار مردمی، ۱۳۷۵/۰۶/۲۵

۲- دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۳/۰۷/۳۰

نمايه

فهرست نمایه

صفحات	واژگان
	(الف)
۷۴-۸۶	ارتقا
۲۷	آرمان
۱۶-۳۸۲۹-۴۱-۴۲-۴۳-۴۹-۸۲	اقتدار
۸۳	الگوسازی
۱۵	انزوا
۱۶-۱۷	ایجاد یأس
	(پ)
۸	پشتوانه
۳۶-۵۴	پیشرفت کشور
	(ت)
۱۱-۱۲	تحقیق علمی
۳۷-۸۵	تحول
۶۱	تربیت عالم
۱۷-۴۹-۶۹	ترجمه‌گرایی
۱۶-۴۵-۶۲	تقلید
۲۹-۳۰-۳۱	تمدن نوین
۱۱	توصیه مؤکد
۱۵-۸۵	تهدید

(ج)

۶۷	جرئت نوآوری
۷۹	جریان‌سازی
۱۹-۶۵-۶۶-۸۱	جهاد علمی
۳۹-۶۵	جهان اسلام

(ح)

۲۳	حیات طیبه
----	-----------

(خ)

۴۰	خطوط مقدم
----	-----------

(د)

۱۸	دانش کهنه
۵	دغدغه اصلی

(ر)

۱۸-۳۵-۶۵	راه‌های میانبر
۵۵-۷۹	رشته‌های دانشگاهی
۴۰-۵۳-۵۵-۵۶	رشد علمی
۹-۱۰-۵۵-۷۹	ریاضی

(ز)

۴۲	زبان فارسی
----	------------

(س)

۳-۱۰-۶۴-۷۷-۷۸-۸۱-۸۲-۸۳	سرمایه‌گذاری
------------------------	--------------

(ش)

۵۱-۶۹	شاگردی
۷۱	شجاعت علمی
۹-۱۰	شیمی

(ص)

۶۱	صدور علم
----	----------

(ع)

۶-۲۴-۲۵-۳۱	عدالت
۹	عرف شدن
۳۱	عزت علمی
۳۸	علم و اخلاق
۳۸-۴۸	علم وارداتی
۴-۷۸-۸۳	علوم بنیادی
۱-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۳-۱۵-	علوم پایه
۵۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۲-۸۳-۸۴	
۱۰	علوم زیستی
۷-۸-۹	علوم کاربردی

(ف)

۶-۷-۸	فعالیت علمی
۸-۱۰-۱۸-۳۲-۳۳-۳۴-۳۹-۴۳-۵۸-۶۱-۷۳-۷۵-۸۲	فناوری
۹-۱۰-۵۵-۷۹-۸۳	فیزیک

(ق)

۴۱-۴۲-۷۰-۷۱	قدرت علمی
-------------	-----------

(ک)

- کشف حقایق ۳-۴-۷۸-۸۳
کشف دانش ۳۷

(گ)

- گفتمان‌سازی ۷۹
گنجینه ۸-۱۱

(م)

- متون فرنگی ۵۰-۶۴
مجاهدت ۱۹-۵۴-۵۷-۶۳-۶۴-۷۰-۸۱
مدیریت جهادی ۶۶
مرجعیت علمی ۳۹-۳۸-۴۰
مرحله ثبات ۵۱
مرز دانش ۳۲
مرزهای علم ۳۴
مسئله مهم ۱۲
مسیر مشخص ایرانی-اسلامی ۶۲
معرفت ۲۴-۲۵-۲۶-۲۸

(ن)

- نقشه ۱۶